اولین و یگانه روزنامه تخصصی معدن و صنایع معدنی ایران

روزگار معدن

www.Madandaily.com

شنبه • ۱۵ مرداد ۱۴۰۱ • ۸ محرم ۱۴۴۴ • ۶ اوت ۲۰۲۲ • سال پنجم • شماره ۸۹۳ • ۸صفحه • قیمت ۳۰۰۰ تومان



طرح‌های فناورانه مانع خام‌فروشی مواد معدنی می‌شود

رئیس جهاد دانشگاهی استان سمنان گفت: طرح‌های فناورانه این مجموعه جلوی خام‌فروشی مواد معدنی را می‌گیرد و به گسترش پوشش گیاهی بیابان کمک خواهد کرد. سمنان استانی پهناور در قلب کویر ایران با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های برجسته‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله صنعت، معدن، کشاورزی، دامپروری و گردشگری است. امروزه در سراسر دنیا برای ثروت‌آفرینی...

۶



ضرورت واگذاری معادن دولتی به بخش خصوصی

نایب‌رئیس هیات مدیره شرکت هفت الماس گفت: دولت در بخش معدن براساس نظام اقتصاد آزاد پیش می‌رود، اما در ادامه مسیر زنجیره فولاد، اقدام به قیمت‌گذاری دستوری در بورس کالا می‌کند که این امر با اقتصاد آزاد در تضاد است. در صورتی که اگر شیوه مدیریت در بخش معدن به صورت اقتصاد آزاد صورت گیرد، اجازه قیمت‌گذاری دستوری برای مواد اولیه را نخواهد داشت...

۲

لزوم آشتی صنعت و دانشگاه

۷



عکس: آیدا فریدی

یادداشت‌ها



تنها راه نجات تغییر سیاست‌هاست

۳



گره‌بر گره‌های کور معدن نیفزاییم

۴



تعامل ضروری است

۷

تیترهای روز

دلایل توسعه نیافتگی معادن

معدنکاری در ایران قدمتی دیرینه دارد؛ به گواهی اشیاء کشف‌شده از سراسر کشور به ۴هزار سال پیش از میلاد ـ یا حتی قبل...

۳

مدیریت مصرف انرژی حیاتی است

معدن یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است، بنابراین مدیریت مصرف انرژی در این بخش اهمیتی غیرقابل‌انکار دارد. به‌گفته بیشتر کارشناسان...

۴

بهشت سنگ‌های قیمتی نصیب کدام کشور می‌شود؟

۵



ضرورت واگذاری معادن دولتی به بخش خصوصی



عکس: آیدا فریدی

گروه معدن

نایب‌رئیس هیات مدیره شرکت هفت الماس گفت: دولت در بخش معدن براساس نظام اقتصاد آزاد پیش می‌رود، اما در ادامه مسیر زنجیره فولاد، اقدام به قیمت‌گذاری دستوری در بورس کالا می‌کند که این امر با اقتصاد آزاد در تضاد است. در صورتی که اگر شیوه مدیریت در بخش معدن به صورت اقتصاد آزاد صورت گیرد، اجازه قیمت‌گذاری دستوری برای مواد اولیه را نخواهد داشت.

به گزارش فلزات آنلاین، نوید ایزدپناه در خصوص روند فعالیت شرکت هفت الماس در سال گذشته، بیان کرد: خوشبختانه در امسال، خط تولید ورق قلع‌اندود با ظرفیت ۱۲۰ هزار تن به بهره‌برداری خواهد رسید؛ به طوری که اکنون تولید آن در دوره آزمایشی است و قطعات محدودی را برای ارزیابی به مشتریان ارائه داده‌ایم. همچنین این خط تولید، قابلیت افزایش تولید تا ۱۴۰ هزار تن را دارد. بر این اساس، امیدوارم هستیم با ثبت رسمی پروانه بهره‌برداری خود در وزارت صمت، تنوع و افزایش تولید را در پیش داشته باشیم. در همین راستا، ورق سیلیکون استیل مورد استفاده در موتورهای الکتریکی، از جمله محصول مهم دیگر شرکت هفت الماس محسوب می‌شود که به بهره‌برداری رسیده است و اکنون در حال تولید محصولات آن هستیم. در واقع ورق فولاد سیلیکونی مغناطیسی غیرجهت‌دار (non-oriented) مورد استفاده در ساخت الکتروموتور است. ورق سیلیکون استیل در ترانسفورماتور، جزو پروژه‌های جداگانه شرکت هفت الماس است که در این زمینه تاکنون روند فیزیکی ثبت نشده است. از دیگر اقدامات این شرکت، احداث پروژه نیروگاه برق است که امیدوار هستیم تا پایان امسال این نیروگاه به بهره‌برداری رسد و برای تامین برق مورد نیاز خود، بتوانیم وارد مدار تولید شویم.

▣ قیمت‌گذاری دستوری، مصداق بارز تقسیم غنائم

وی قیمت‌گذاری دستوری را مهم‌ترین مشکل تولیدکنندگان دانست و عنوان کرد: درحال‌حاضر، هم در تامین مواد اولیه و هم در فروش محصولات با چالش‌های متعددی مواجه هستیم. متاسفانه بزرگ‌ترین مشکل تمامی صنعتگران، قیمت‌گذاری دستوری است. قیمت‌گذاری دستوری ضمن از بین بردن شفافیت از بازار کالا و افزایش رانت در بازارهای مختلف، باعث می‌شود تا سرمایه‌گذار قادر به برنامه‌ریزی برای ورود سرمایه‌های خود به بخش تولید نباشد. در واقع سازوکار پیچیده تالار شیشه‌ای بورس، هیچ‌گونه تشابهی با سایر بورس‌ها در دنیا ندارد. قیمت‌گذاری دستوری مانند تقسیم غنائم است. متاسفانه این سازوکار غلط، مانند ابزاری در دست حاکمیت تلقی می‌شود که فاتحان جنگ هر کدام به تقسیم غنائم به دست آمده می‌پردازند.

این عضو هیات‌مدیره شرکت هفت الماس با انتقاد نسبت به معاملات بورس، مطرح کرد: بورس کالا، فضایی برای خرید و فروش محصولات است که تولیدکنندگان باید محصولات خود را به صورت آزاد در آن عرضه کنند، اما متاسفانه زمانی که قیمت، حجم فروش، میزان خرید و دامنه نوسان به صورت دستوری تعیین شود، محصولات با نرخ واقعی به‌دست مصرف‌کننده نهایی نخواهد رسید.

ایزدپناه در خصوص راهکار حل این مشکل، تصریح کرد: اگر بتوانیم از مکانیزم قیمت‌گذاری دستوری عبور کنیم، قطعا مهم‌ترین معضل صنعت فلزی کشور برطرف خواهد شد. وی اضافه کرد: ایران دارای ۴ منابع طبیعی است که معدن در زنجیره فولاد، یکی از موارد را تشکیل می‌دهد. جالب است که دولت در بخش معدن بر اساس نظام اقتصاد آزاد پیش می‌رود، اما در ادامه مسیر زنجیره فولاد، اقدام به قیمت‌گذاری دستوری در بورس کالا می‌کند. در صورتی که اگر شیوه مدیریت در بخش معدن به صورت اقتصاد آزاد پیش می‌رود، اجازه قیمت‌گذاری دستوری برای مواد اولیه را نخواهی داشت.

این عضو هیات مدیره شرکت هفت الماس تصریح کرد: ایمیدرو به عنوان یک سازمان دولتی در زمینه واگذاری معادن، فعالیت و اقدام مثبتی را آغاز کرده است؛ به طوری که با قیمت‌گذاری، حق واگذاری معادن به شرکت‌های خصوصی را صادر می‌کند. زمانی که با برگزاری مناقصه‌ها، حق استخراج از معادن به بخش خصوصی اختصاص داده می‌شود و بخش خصوصی نیز با درصد مشخصی، سنگ‌آهن مورد نیاز کشور را استخراج می‌کند، منطقی نیست که برای ادامه مسیر با ابزارهایی همچون قیمت‌گذاری دستوری، عوارض صادراتی و... سنگ‌اندازی شود.

▣ محدودیت‌های صادراتی

ایزدپناه در ارتباط با چشم‌انداز شرکت هفت الماس، اذعان کرد: در شرایطی که در تولید شمش فولادی مازاد بر نیاز داخل وجود دارد، باید صادرات در کشور صورت گیرد و دلیلی برای نگرانی نسبت به میزان صادرات فولاد وجود ندارد، اما متاسفانه دولت با دستورالعمل‌های ناگهانی و یک‌شبه، سبب کاهش و حذف ارزآوری به کشور شده که متاسفانه تاکنون بازارهای صادراتی ایران در شرایط مطلوبی قرار ندارد و همواره در حال نوسان است. با توجه به مشکل صادرات، شرکت هفت الماس تثبیت بر کیفیت و جایگاه فروش به ویژه صادرات را در امسال در دستور کار خود قرار داده است. با وجود اینکه رشد تناژ تولید و افزایش ظرفیت اسمی در سال آتی، تمرکز اصلی شرکت معطوف بر افزایش کیفی محصولات و رشد صادرات است.

▣ ضرورت مسیریابی کارشناسی

وی در پاسخ به این سوال درباره چالش‌های برنامه دستیابی به تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در افق ۱۴۰۴، اظهار کرد: مشکلات بزرگ مهم اقتصادی از جمله کمبود زیرساخت به‌ویژه برق، عامل بروز چالش‌های صنایع فلزی و معدنی ایران است. متاسفانه با چند معضل جدی اقتصادی در کشور مواجه هستیم که در بلاتکلیفی برای حل این مشکلات به سرمی‌بریم. مشکلات اقتصادی کشور، عامل بروز چالش‌های متعدد در صنایع فلزی است؛ به طوری که با مشکل کمبود زیرساخت به ویژه برق در کشور مواجه هستیم.

نایب رئیس هیات مدیره شرکت هفت الماس با طرح سوالی مبنی بر اینکه آیا ایران می‌خواهد قدرت اول اقتصادی دنیا باشد، گفت: دولت باید با شناخت مشکلات و تعیین اولویت‌ها و هدف‌گذاری درست، مسائل را یکی پس از دیگری حل کند، اما متاسفانه سیاست‌گذاران تاکنون تکلیف خود درباره مسائل مهم و اساسی اقتصادی و صنایع مشخص نکرده‌اند و در کلاف سر درگمی مانده‌اند. مکانیزم کشور در کدام مسیر حرکت می‌کند؟ مسیر کمونیسم یا اقتصاد آزاد حاکم شده است؟

ایزدپناه بیان کرد: اگر مکانیزم ایران بر اساس اقتصاد کمونیسم تعیین شده است، باید تمامی تولید نفت کشور و قیمت‌گذاری‌ها توسط یک مرجع مشخص همچون شرکت ملی نفت تعیین شود، اما اگر بخواهیم به صورت اقتصاد آزاد عمل کنیم، باید به سمت الگوی حکمرانی بهره‌وری در کشور حرکت کنیم.

وی با تاکید بر اینکه بخشی از معادن باید به بخش خصوصی واگذار شود، گفت: همان گونه که در فقه اسلامی به اموالی که مالک شخصی ندارد و در نظام‌های مختلف در اختیار دولت‌ها قرار دارد، انفال تلقی می‌شود نیز باید با ایجاد درصدبندی، بخشی از معادن کشور را به بخش خصوصی واگذار کنیم. ایران تاکنون در این زمینه اقدام مثبتی انجام نداده است؛ به طوری که مکانیزم کسری بودجه در کشور مشخص نیست. آیا دولت قصد ایجاد محدودیت برای اقتصاد و کاهش کسری بودجه و نقدینگی و ساختار تورم و کسری بودجه را در پیش دارد؟

در این خصوص اگر روش انفال در بخش معدن را بپذیریم، علاوه بر مشکلات موجود متاسفانه به دلیل نداشتن زیرساخت انرژی اعم از نفت، گاز و...، صنعتگر با چالش جدیدی مواجه می‌شود که در نهایت از مسیر توسعه صنعت فولاد باز خواهیم ماند. درحال‌حاضر صنعت فولاد با دو نظام اقتصادی آزاد و کمونیسم مدیریت می‌شود.

نایب رئیس هیات مدیره شرکت هفت الماس در خصوص تاثیر قیمت‌گذاری دستوری بر اقتصاد کشور، اظهار کرد: هر نوع سیاست جدیدی در بازارها به شیوه مداخله دولتی، آن هم به شیوه قیمت‌گذاری دستوری، شکست حکمرانی اقتصادی را تشدید و همچنان دولت را در آینده بیش از پیش گرفتار مسائل این بازارها خواهد کرد که تنها از امروز به آن زمان موکول شده‌اند.

ایزدپناه با تاکید بر اینکه با راهبردهای دستوری و بخشنامه‌ای، امکان ساماندهی اقتصاد ایران غیر ممکن است، خاطرنشان کرد: هدف اصلی نظام اقتصاد دستوری برخلاف نظام اقتصادی بازار آزاد، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی به جای حداکثر کردن سود اقتصادی است. نظام اقتصادی کشور را نمی‌توان گاهی به صورت دستوری و گاهی به صورت بازار آزاد مدیریت کرد؛ به طوری که هیچ‌گونه تناسبی با یکدیگر ندارند.

وی با بیان اینکه شیوه مدیریت در بخش معدن شفاف نیست، اذعان کرد: مقصود اصلی از معدن تمامی زنجیره فولاد و سایر حوزه‌ها ازجمله معدن، نفت، گاز، مس، آلومینیوم، اورانیوم است. متاسفانه طراحی مدل حکمرانی در بخش معدن و منابع طبیعی کشور به درستی انجام نمی‌شود. در واقع امیدوار هستیم با مطرح و بررسی سوالات مهم اقتصادی، بتوانیم تمامی زیربنایی کشور را بهبود ببخشیم.

▣ رنج زنجیره فولاد از غفلت

نایب رئیس هیات مدیره شرکت هفت الماس تاکید کرد: فولاد، فرزند صنعت و معدنی است که از سنگ‌آهن، گاز و نفت متولد شده و تا زمانی که ساختار این معادن به درستی مشخص و تعریف نشده باشد، ادامه زنجیره فولاد نیز با تلاطم مواجه می‌شود. در واقع تمام زنجیره فولاد به یکدیگر متصل هستند که درحال‌حاضر، متاسفانه صنعت فولاد با مشکلات قطعی و کمبود برق، گاز و زغال‌سنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند.

ایزدپناه تصریح کرد: به دلیل اینکه از ابتدای زنجیره فولاد، ساز و کار مشخصی برای این صنعت تعیین نشده است، به هنگام سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های متفاوت زنجیره، نبود توازن و سرمایه‌گذاری مازاد ایجاد می‌شود. حتی اگر بخشی از مسائل به بخش خصوصی واگذار شود، باز هم برخی مشکلات به نوبه خود رخ‌نمایی می‌کنند.

البته بخش خصوصی با قدرت و دسترسی‌هایی که در اختیار دارد، می‌تواند مواد اولیه مورد نیاز خود را با نرخ کمتری خریداری کند، اما این بخش برای تامین مواد اولیه، سنگ‌آهن مورد نیاز خود را با عیار پایین تامین می‌کند که این فرآیند، باعث از دست رفتن بخشی از معادن پایین‌دست کشور می‌شود.

متاسفانه چالش‌های صنعتگران به این مرحله ختم نمی‌شود و تولیدکنندگان پس از تامین مواد اولیه، با مشکلات متعددی همچون قیمت‌گذاری دستوری، محدودیت توزیع منابع و بازار رانت و سیاه مواجه خواهند شد که در نتیجه باعث عدم تعادل در کل زنجیره فولاد می‌شود.

▣ نظام اقتصادی ایران با تحریم مقاوم شده است

وی در پاسخ به این سوال در ارتباط با تاثیر تحریم‌های داخلی و خارجی در شکل‌گیری ابرچالش‌های معدنی و فلزی، مطرح کرد: همان گونه که سران نظام اقتصادی نیز به آن توجه کرده‌اند، بر این باور هستیم که ساختار نظام اقتصادی ایران تا حدودی به تحریم‌های خارجی مقاوم شده است. اگر ۲۰ سال گذشته را مورد بررسی قرار دهیم، از مقاومت اقتصادی بسیار پایینی برخوردار بوده‌ایم، اما اکنون اقتصاد ایران، تحریم‌های خارجی را پذیرفته و خود را با این شرایط تطبیق داده است. درحال‌حاضر تاثیر تحریم‌های خارجی در صنعت فولاد زیر ۱۰ درصد است؛ به طوری که در گذشته این تاثیرات تا ۴۰ درصد در این صنعت تاثیرگذار بود، اما اکنون دارای مشتریان ثابتی است که شرایط تحریمی ایران را پذیرفته‌اند. متاسفانه تولیدکنندگان با تحریم‌های داخلی مواجه هستند؛ به طوری که با معضل بزرگی به نام بورس کالا یعنی ساختارهای نظارتی نامتعادل روبه‌رو هستند که با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بدون منطق، صنعت فولاد کشور را تحریم می‌کند.

▣ نظام اقتصادی شناور

نایب رئیس هیات مدیره شرکت هفت الماس تصریح کرد: از دولت محترم درخواست می‌شود تا برای ایجاد ساز و کاری مشخص جهت وحدت و یک صدا شدن صنعت فولاد اقدامات لازم را انجام دهد؛ چراکه این الزام وجود دارد که تکلیف با بانک‌های که تمام سرمایه آنها از بین رفته است، مشخص شود. در ایران، به ازای هر ۲۰ بانک، ۱۰ بانک مطابق قانون ورشکسته هستند و این بانک‌ها باید اعلام ورشکستی کنند و از اقتصاد کشور حذف شوند تا بیش از این به اقتصاد صدمه‌های جبران‌ناپذیر وارد نکنند. زمانی که برخی از بانک‌ها با مدیریت غلط در یک دوره زمانی، تبدیل به نماد سرطان در اقتصاد کشور شده‌اند، باید هر چه زودتر مشکلات اقتصادی کشور برطرف شود که راه‌حل رفع این معضل، اعلام ورشکستگی بانک‌های یاد شده است. به عنوان مثال، در اقتصاد امریکا طی بازه زمانی مشخص، چند بانک و موسسه اعتباری فاسد به وجود آمدند که دولت امریکا، به سرعت به رفع مشکل پرداخت.

ایزدپناه یادآور شد: شاید بانک مرکزی به اندازه کافی از حمایت‌های لازم برخوردار نباشد؛ چراکه عملکرد این پناهگاه امن اقتصادی به گونه‌ای نشان داده شده است که موقعیت اقتصادی بانک‌ها را بهبود نبخشیده و ممکن است سبب بسته شدن شریان‌های اقتصادی کشور شود. بانک مرکزی هسته اصلی و قلب اقتصاد کشور است و زمانی که یکی از بانک‌ها دچار فساد شوند، قطعا موقعیت اقتصاد کشور نیز نامطلوب می‌شود که باید هرچه سریع‌تر برای بهبود آن چاره‌ای اندیشید.

دولت حمایت نکرد؛ آلومینیوم گران شد



دبیر سندیکای صنعت آلومینیوم ایران ضمن تاکید بر اینکه دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت، صنعت آلومینیوم را به حال خود رها کرده و به مشکلات آن رسیدگی نمی‌کند، عمده دلیل افزایش نرخ آلومینیوم در بازار را کم کردن عرضه تولیدکنندگان مواد اولیه خوانده و تاکید کرد: درست است که صنایع مادر باید مورد حمایت قرار گیرند، اما صادرات مواداولیه مصداق بارز خام‌فروشی و برخلاف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است.

به گزارش ایسنا، آریا صادق‌نیت حقیقی در رابطه با افزایش نرخ ایجاد شده در بازار این صنعت، ضمن اشاره به مشکل فرمول قیمت‌گذاری آلومینیوم که تاکنون بازنگری نیز نشده است، یادآور شد: زمانی که دلار نرخ دولتی (۴۲۰۰ تومان) داشت، برای آنکه رانت حاصل از فاصله نرخ ارز ترجیحی و ارز بازار آزاد کم شود، ضریب ۱۰ درصد به عنوان پریمیوم در فرمول در نظر گرفته شد اما پس از آنکه دلار ۴۲۰۰تومانی جای خود را به دلار نیمایی داد، بر این اساس این ۱۰ درصد تبدیل به پنج درصد شد. دبیر سندیکای صنعت آلومینیوم ایران، ادامه داد: با این وجود، پریمیوم دو برابر پریمیوم صادراتی بود؛ به عبارتی آلومینیوم خالصی که صادر می‌شود،

به مراتب ارزان‌تر (حدودا کمتر از نصف) از آلومینیوم خالصی است که در اختیار صنایع داخلی قرار می‌گیرد. این موضوع پیگیری شد اما به‌جای آنکه موضوع حل شود، شرکت‌های اصلی تولیدکننده آلومینیوم (چهار شرکت اصلی که شرکت‌های مادر هستند) به شدت عرضه را کاهش دادند. همین کم کردن عرضه سبب شد بازار با کمبود مواجه شود و در بورس، رقابت تشدید و نرخ آلومینیوم به‌ازای هر کیلو ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا کند.

دبیر سندیکای صنعت آلومینیوم ایران تصریح کرد: مشکل بزرگ صنعت آلومینیوم این است که وزارت صمت هیچ متولی برای صنایع آلومینیوم ندارد و این صنعت را به حال خود رها کرده است. وزارت صمت به موضوع‌ها و مشکلات این صنعت رسیدگی نمی‌کند و دیدن مسئولان به امری بسیار دشوار تبدیل شده است؛ حتی اگر دیداری و نامه‌نگاری‌ها صورت گیرد، پاسخ درستی دریافت نمی‌شود. اخیرا با مدیرکل صنایع فلزی دیداری داشتیم و مقرر شد صادرات کم شود تا توزیع داخل به حد کفایت و نظم برسد و رقابت کاذب حذف شود؛ اما از آن زمان عرضه کمتر و شرایط بدتر هم شد.

حقیقی در رابطه با وضعیت فعلی بازار، اظهار کرد: بورس کالا که بایستی محلی برای عرضه و تقاضا، کشف نرخ و تنظیم بازار باشد به محلی برای قیمت‌سازی و بازارسازی تبدیل شده است. بورس کالا خودسرانه و بدون رعایت قوانین اعمال قانون می‌کند و در آن عرضه به‌صورت نامناسب انجام می‌شود.

ضمن اینکه فرمول را دستکاری کرده و نرخ پایه را خودسرانه افزایش می‌دهد. همچنین با نامه‌ای که اخیرا (مبنی‌بر افزایش نرخ پایه در بورس) منتشر کرده است، بازار آلومینیوم را دچار التهاب شدید کرده که زمینه نگرانی و سرگردانی صنعتگران آلومینیوم را فراهم کرده است.

وی افزود: درحال‌حاضر نرخ آلومینیوم در بازار وضعیتی نامشخص دارد. قیمت‌ها تا پیش از این بسیار بالاتر از قیمت‌های صادراتی بود و با خبر افزایش نرخ در بورس بیش از پیش بازار را برهم‌ریخته است.

کاهش ۱۸ درصدی سود خالص فخوز



سود خالص شرکت فولاد خوزستان (فخوز) در دوره سه ماهه منتهی به ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ (حسابرسی نشده) با کاهش ۱۸ درصدی نسبت مدت مشابه در سال قبل به ۳۰.۷۸۰.۱۱۳ میلیون ریال رسید. به گزارش ماین نیوز، فخوز در این دوره زمانی به ازای هر سهم ۲۵۷ ریال سود محقق کرد.

افزایش ۳۰ درصدی سود خالص فملی



سود خالص شرکت ملی صنایع مس ایران (فملی) در دوره سه ماهه منتهی به ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ (حسابرسی نشده) با افزایش ۳۰ درصدی نسبت مدت مشابه در سال قبل به ۱۲۳.۱۳۸.۰۵۴ میلیون ریال رسید. به گزارش ماین نیوز، فملی در این دوره زمانی به ازای هر سهم ۳۰۸ ریال سود محقق کرد.

افزایش ۳۱ درصدی سود خالص کگهر



سود خالص شرکت سنگ آهن گهرزمین (کگهر) در دوره شش ماهه منتهی به ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ (حسابرسی نشده) با افزایش ۳۱ درصدی نسبت مدت مشابه در سال قبل به ۷۳.۰۸۹.۰۱۵ میلیون ریال رسید. به گزارش ماین نیوز، کگهر در این دوره زمانی به ازای هر سهم ۲.۹۲۴ ریال سود محقق کرد.

افزایش ۴۹ درصدی سود خالص فولاد



سود خالص شرکت فولاد مبارکه اصفهان (فولاد) در دوره سه ماهه منتهی به ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ (حسابرسی نشده) با افزایش ۴۹ درصدی نسبت مدت مشابه در سال قبل به ۲۰۶.۹۱۹.۶۲۰ میلیون ریال رسید. به گزارش ماین نیوز، فولاد در این دوره زمانی به ازای هر سهم ۷۰۶ ریال سود محقق کرد.

کاهش ۴۰ درصدی فروش کنور در ۴ ماه نخست ۱۴۰۱

فروش شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (کنور) در چهار ماهه سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ با کاهش ۴۰ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال مالی قبل به ۶.۱۷۲.۰۰۴ میلیون ریال رسید. به گزارش ماین نیوز، همچنین فروش کنور در تیر ماه ۱۴۰۱ با کاهش ۹۷ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال قبل به ۷۰.۷۹۱ میلیون ریال رسید.میزان تولید شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در چهار ماهه نخست ۱۴۰۱ به شرح زیر بود: گندله، ۱۶۴.۷۱۹ تن، کنسانتره خشک، ۵۰۳.۹۲۴ تن.

دلایل توسعه‌نیافتگی معادن



عکس: روزگار معدن

گروه معدن

معدنـکاری در ایران قدمتی دیرینـه دارد؛ به گواهی اشیاء کشف‌شده از سراسر کشور به ۴هزار سال پیش از میـلاد ـ یا حتی قبل از آن ـ باز می‌گردد. بنابراین اقوام ایرانی از سپیده‌دم تاریخ با بطن زمین انس و الفتی داشتند و از این خوان گسترده بهره برده‌اند تا نیازهای خـود را برطرف کنند، تمدن خود را پیش برانند و از این امتیاز ویژه برای گسترش دادوستد با دیگر اقوام بهره ببرند.

امروزه هم بخش معدن از حوزه‌های اسـتراتژیک در صنعت کشور است و همچنان می‌تواند سهم ویژه‌ای در رشد و توسعه کشور، رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و گسـترش رفاه و آبادانی داشـته باشد، اما دستیابی به این مهم چندان آسـان نمی‌نماید و با چالش‌های متعددی دست به گریبان است.

گرهی که با دست باز می‌شود



محسن کوه‌کن – نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و عضو سابق کمسیون صنایع و معادن:
بحث درباره ظرفیت اقتصادی و توان اشتغالزایی در معدن را با ذکر ۲ مثال آغاز می‌کنم.

اول اینکـه، حـدودا ۲۰ سـال پیش بود که سـفری کاری به یکی از کشـورهای شـرق آسیا داشتیم؛ کشور بسـیار کوچکـی ـ کوچک‌تـر از تهـران ـ کـه معدن سـنگی در آن نیسـت و به‌دلیـل ماهیـت جزیـره‌ای و وسـعت کـم، اساسـا امـکان هیچ‌گونـه فعالیت‌های اکتشـافی هم ندارد. با این حال در مرکز شهر، کارخانه بزرگ فرآوری سـنگ وجود داشـت و مـا از آن بازدید کردیم.

مـواد اولیه این کارخانه از خارج به‌صورت تایل و کوپ وارد می‌شـد، روی آنها فرآوری انجام می‌گرفت و نهایتا محصول با ارزش افزوده صادر می‌شد.

خاطرم هسـت وقتی که از صاحب آن کارخانه درباره درآمد سالانه‌اش پرسیدم، عددی گفت که تفاوت اندکی با میزان کل صادرات سالانه سنگ ما داشت.

دیگر اینکه، سال ۱۳۷۷ چند نفر از کارشناسان معدنی کشـور ژاپن به دعوت یکی از دسـتگاه‌ها به ایران آمده بودند تـا از چند معدن بازدید کنند. هنگام بازگشـت، یکی از آنها جمله‌ای گفت که از ذهن من پاک نمی‌شود.

او گفت: «ما خیلی از کشـورهای دنیا را گشته‌ایم اما می‌توانم بگویم ایران کلکسـیون سنگ‌های تزئینی همه دنیاست».

بحث درباره دیگـر ذخایر و معادن را رها می‌کنم زیرا تنها با استناد به همین ۲ مثال، کاملا روشن می‌شود که ظرفیت کارآفرینی بخش معدن در کشور ما چقدر است و می‌توان حدیث مفصل را از این مجمل خواند.

کشـورکوچکی کـه حتـی یـک معدن سـنگ هم نـدارد، از محل فـروش محصول فرآوری‌شـده، معادل کل صـادرات سـنگ ما درآمد دارد،اما کشـور ما که به قول آن کارشـناس ژاپنی کلکسـیون سـنگ دنیاست، با ایـن همه ذخایـر معدنـی درآمد چندانی به‌دسـت نمی‌آورد.

پس می‌تـوان گفت اگر مقـداری واقع‌بینی و تحلیل درسـت برای نحوه اسـتفاده از معادن داشـته باشیم، می‌تـوان برای بخش قابل‌توجهـی از نیروی کار فرصت شغلی ایجاد کرد.

البته ذکر این نکته ضروری اسـت که منظور از ایجاد اشـتغال در حوزه معدن، صرفـا کار در درون تونل‌های زیرزمینـی معـدن یـا حضـور در مناطـق دورافتـاده نیسـت،بلکه با رشـد بخش معدن، به‌معنـی رونق همه فعالیت‌های کوچک و بزرگ وابسته به آن است.

اشـکال کار اینجاست که فهم صحیح و درستی از این روند وجود ندارد. ما نمی‌دانیم چه کسانی می‌توانند این زنجیره را – از دل معدن گرفته تا حلقه انتهایی – کنار هم بچینند و کامل کنند تا به نتیجه مطلوب برسد.

بخشی از این مشـکل ناشی از مسائلی است که هنوز در فرهنگ عمومی حل نشـده اسـت. بایـد به نقطه‌ای برسـیم که وقتی نهاد متولی مجوز بهره‌برداری از معدن را صـادر می‌کند، حجت بر همه تمام شـود و اطمینان داشته باشـند که تمام قوانین و مقررات و ضرورت‌های زیسـت‌محیطی و مانند آن در نظر گرفته و رعایت شده است.

باید اعتراف کرد که ما هنوز از این نقطه فاصله داریم. در کشـور ما معمولا گرهی را که با دسـت باز می‌شود، به دنـدان می‌سـپارند. نهادهای ذی‌ربط بـا اطمینان جلو مـی‌رود و کار را شروع می‌کند، اما ناگهان با یک مشکل اجتماعی روبه‌رو می‌شـود، مثلا اهالی روسـتایی در ۱۰ کیلومتری معدن اعتراض می‌کنند که ماشـین‌آلات معدنی جاده‌های ما را خـراب می‌کند و بعد، به‌جای آنکه مشـکل به‌گونه‌ای حل شـود که نه سـرمایه‌گذار ضرر کنـد و نه معارض، به اختلافات دامن زده می‌شـود و شرایط آنقدر پیچیده می‌شود تا نهایتا کار به تعطیلی برسد. موضوع اینجاست که نباید کسـی به‌دنبال تعارض و تشنج باشد چون در این صورت چیزی عاید کسی نمی‌شود؛ غیر از آنهایی که اهل سوءاستفاده هستند.

بنـده تنها در فرمایشـات رهبر معظـم انقلاب تعبیر درسـتی نسبت به سـرمایه‌گذاری کلان شنیدم. ایشان در جمعـی - که بنده هم حضور داشـتم - جمله‌ای به این مضمـون فرمودند: «اگر کسـی امروز بـرای ایجاد اشـتغال و تولیـد، سـرمایه‌گذاری کنـد همانند فردی بسـیجی است که در چند سـال دفاع مقدس در جبهه جنگیده است».

اگر کسی خواسـت با تمام سختی‌ها در بخش معدن سـرمایه‌گذاری کنـد، چنین دیدی نسـبت به او وجود دارد؟ پاسخ خیر است و به قول معروف آب از سرچشمه گل‌آلود است.

باید گفت تحلیل درسـتی از سـرمایه‌گذاری، منافع معقـول و منطقی شـخصی و عمومی وجـود ندارد؛ آن کسـی که سالم است و می‌خواهد مسیر را از راه درست طی کند، پس زده می‌شود.

اما آن که ناسـالم اسـت راه خود را به هر طریقی باز می‌کند. با دادن رشـوه و زیرمیـزی مجوز می‌گیرد و با توصیه این و آن از تسـهیلات بانکی برخوردار می‌شود. مسـلما چنین فردی که فقط دنبال منافع خود اسـت، هیچ‌یـک از چارچوب‌ها و ضوابط محیط‌زیسـتی را هم رعایـت نمی‌کند و راه دور زدن آنهـا را هم پیدا خواهد کرد.

البته از حق نباید گذشت که این دولت تلاش فراوانی کرده اسـت تا مشـکلات این حوزه را برطرف کند، که گامی مثبت اسـت، اما کافی نیسـت. مسیر باید از ابتدا اصلاح شـود. بـه اعتقاد بنـده بهترین شـیوه مدیریت این حـوزه؛ اعتماد، کنترل، تشـویق و در نهایت اعمال سیاست‌های تنبیهی است.

توضیـح اینکه در این روش اصل بـر صحت اظهارات افراد است. پس باید از ابتدا و با اعتماد صددرصدی مجوز افراد صادر شـود. در گام بعد نهاد ذی‌ربط باید با کمک کارشناسان بی‌طرف، اظهارات فرد را صحت‌سنجی کند و در صورت اثبات صداقت، او را در لیسـت سـبز قرار دهد تا بتواند از تسـهیلات بانکی بهره‌مند شود. اما اگر فرد اظهاراتی خلاف واقع داشت باید در لیست سیاه قرار گیرد تا به‌اصطلاح نقره‌داغ شود.

اشـکال دیگر این اسـت که به‌جای فرآوری تولیدات معدنی - که ظرفیت اشـتغال‌آفرینی را افزایش می‌دهد – معمـولا محصـولات به‌صـورت خام صادر می‌شـود، چـرا کـه فـرآوری مـواد معدنی هـم سـرمایه‌گذاری می‌خواهـد و هـم دلسـوزی، امـا خام‌فروشـی هیـچ هنـری نمی‌خواهـد. روزی بـا انفجـار، سـنگ را خرد می‌کردنـد و به آن سـوی آب می‌فرسـتادند، حالا کلی پیشـرفت کرده‌اند و با سـیم بـرش ایـن کار را انجام می‌دهند.

البته این بدان معنا نیسـت که تحت هیچ شـرایطی نباید محصول فرآوری‌نشده را صادر کرد. گاهی می‌توان مـاده خامی را صادر کرد و مشـابه آن را با نرخ بسـیار کمتری وارد کرد. روشـن اسـت که این دادوستد کاملا اقتصادی و به‌صرفه اسـت اما در غیـر این صورت هیچ توجیهـی ندارد. اگر یک جو غیرت اقتصادی نسـبت به مردم وجود داشته باشد، هرگز کسی راضی نخواهد شد که برای منافع جیب خود، از خزانه مردم هزینه کند.

معدن مستقیم و غیرمستقیم اشتغال‌آفرین است



شهناز نوایی – فعال معدنی:
بخـش معـدن ظرفیـت اشـتغال‌آفرینی بالایی دارد، البته به‌شـرط اینکه شـرایط لازم برای بهره‌بردار فراهم باشد.

یکی از بزرگ‌تریـن عواملی که مانع رشـد کسـب‌وکار و رونق معدن می‌شود، مشکل قدیمی حمل‌ونقل است.

فعالیـت معدنـی به جاده و زیرسـاخت نیـاز دارد تا دسترسـی بهره‌بردار به بازار فروش تسـهیل شـود اما دولـت تاکنون برای حل این مشـکل کمـک چندانی نکرده است.

نبود جاده یا مسـیر مناسب، اسـتهلاک ماشین‌آلات به‌ویـژه لاسـتیک، هزینه بالای سـوخت، فرسـودگی وسـایل حمل‌ونقـل و مشـکلاتی از این دسـت باعث می‌شـود که بهره‌بردار برای رسـاندن محصول خود به بازار با مشـکلات عدیده‌ای دسـت به گریبان باشد، از جملـه اینکه صاحبان وسـایل حمل‌ونقل یا اصلا قبول نمی‌کنند که مسـیر طولانـی را از معدن تا بازار فروش طی کنند یا هزینه‌های سرسام‌آوری طلب می‌کنند که مقرون به‌صرفه نیست.

از سوی دیگر، فعالیت معدنی همواره با مزاحمت‌هایی از جملـه معارضـان محلـی یـا ارگان‌هایـی ماننـد محیط‌زیسـت، منابع طبیعی و امثال آن روبه‌رو اسـت که مشـکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند و حتی کار را به تعطیلی می‌کشاند.

اگر با مساعدت دولت و همکاری نهادها و سازمان‌های ذی‌ربـط ایـن چالش‌ها برطرف شـود، معـدن از نظر سوددهی بهترین محل کسب‌وکار و ایجاد اشتغال است.

معدن جدا از توان بالا در اشـتغال‌آفرینی مسـتقیم، به‌شـکل غیرمسـتقیم هم موجب رونق و آبادانی محل می‌شـود. امروزه در کنار بیشـتر معادنی که در مناطق بیابانـی یـا محـروم احـداث شـده بودند، شـهرها یا شهرک‌های آبادی به‌وجود آمده است.

البته بدیهی است که رسیدن به این نقطه کمک دولت را می‌طلبد. اما تاکنون حمایت لازم انجام نگرفته است. هر مدیری کـه می‌آید به‌دلخـواه، تصمیمات جدیدی اتخاذ و بایدها و نبایدهایی دیکته می‌کند. مرتب قوانین دسـت و پاگیر وضع و به‌صورت دستورالعمل، بخشنامه و ماننـد آن ابلاغ می‌شـود که مشـکلات را بیشـتر و پیچیده‌تر از قبل می‌کند.

درباره اشـتغال‌آفرینی ذکر یک نکته ضروری اسـت؛ بخش معـدن همواره با ایرادی روبه‌رو اسـت که دهان به دهـان می‌چرخـد. می‌گویند اگر تولیـدات معدنی به‌صـورت خام در معرض فروش یا صادرات قرار نگیرد، فرصت بیشتری برای اشتغال به‌وجود می‌آورد.

در پاسخ به این ایراد باید ۲ موضوع را در نظر گرفت. اول اینکـه هر ماده‌ای که اسـتخراج می‌شـود تا حدی فرآیند فرآوری را طی می‌کند و کاملا خام نیسـت. در واقع وقتی ذخیره سـنگ معدن به شـکل کیوب بریده می‌شود، مرحله اولیه فرآوری را پشت سر گذاشته است، هرچند معمولا مسیر فرآوری به‌طورکامل طی نمی‌شود؛ چون این کار پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

البته مسـلم است که اگر بهره‌بردار بتواند محصولی را فرآوری کند، هم زمینه اشتغال بیشتری فراهم می‌کند و هـم از نظر اقتصادی برایش به‌صرفه‌تر اسـت. اما این کار بـه سـرمایه زیادی نیاز دارد. مثـلا در مورد معدن سنگ، می‌توان گفت چیزی معادل ۲ برابر سرمایه اولیه لازم است تا کارخانه یا کارگاهی برای سنگ‌بری احداث شود و به بهره‌برداری برسد.

دیگر اینکه بیشتر اوقات، ماده فرآوری‌نشده مشتریان بیشتر و بهتری پیدا می‌کند. مثلا خریدار سنگ ترجیح می‌دهـد با توجه بـه نیاز و نوع مصـرف، کیوب‌ها را با ضخامت‌های مختلف برش دهد یا با تیپ و فرم خاصی صیقل دهد؛ بـرای همین بازار به محصول خام گرایش بیشتری نشان می‌دهد.

نکته پایانی درمورد بحث اشـتغال‌آفرینی این اسـت کـه مسـئولان و تصمیم‌گیران بایـد از توان و تخصص تشکل‌های معدنی و نمایندگان بخش خصوصی، کمک و مشـورت بخواهند تا فعالیت در بخش معدن تسهیل شود، دسترسـی به امکانات گسترش پیدا کند و کارها روان و بدون دست‌انداز پیش برود.

خاطرم هسـت قبلا جلسـاتی در وزارتخانـه برگزار می‌شـد که نمایندگانی از سـنگ‌بری‌ها، بهره‌برداران و کارشناسـان بخش خصوصـی را دور هم جمع می‌کرد و فرصتـی برای همفکـری بود. پیشـنهاد می‌کنم که این نشسـت‌ها دوباره برگزار شود تا با بحث و گفت‌وگو بتـوان بـه تصمیماتـی سـازنده رسـید؛زیرا قوانین و دستورالعمل‌های نسنجیده از سوی مدیران و مسئولانی که اغلـب آشـنایی چندانی بـا بخش معـدن ندارند، آسـیب‌های فراوانی به این حوزه وارد می‌کند و آن را از ایفای نقش در رونق اقتصاد و کمک به رشـد و توسـعه کشور باز می‌دارد.

سخن پایانی

اشتغال‌آفرینی یکی از محورهای شعار امسال است و معدن ظرفیت بالایی برای تحقق آن دارد. تنها باید عزم را جزم کرد، فرصت‌ها را شـناخت و چالش‌ها را برطرف کرد تا شاهد رشد و شکوفایی این بخش بود.

آخرین اخبار و تازه‌ترین تحلیل‌ها را در پایگاه خبری «گسترش نیوز» دنبال کنید
www.Gostaresh.news

یادداشت

تنها راه نجات تغییر سیاست‌هاست



جمشید نفر
عضو کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی

اشـتغال‌آفرینی در حوزه معدن جـدا از کمیت، از کیفیت قابل‌توجهی هم برخوردار اسـت. به‌عبارت دیگر «چگونگی» ایجاد اشتغال اهمیت بیشـتری از «گنجایش و ظرفیت» آن دارد.

به‌عنـوان مثال معمولا واحدهای صنعتی و کارخانجاتی که نیروی کار را به خود جذب می‌کنند، در حاشـیه شـهرهای بزرگ مستقر شـده‌اند - رویه‌ای که در کشور ما هم به‌چشم می‌خـورد - امـا فرصت‌هایـی که بتوانـد نیـروی کار را از شـهرهای بزرگ خارج کند و به روستاها، مناطق دورافتاده و محدوده‌هایی ببرد که هیچ اثری از آب و آبادانی نیست، فقط در حوزه معدن وجود دارد.

پس مهاجرت معکوس - یعنی مهاجرت نیروی کار از شهر به روستا – که در بخش معدن اتفاق می‌افتد کاملا منحصر به فرد است و از ویژگی‌های ارزشمند این حوزه به‌شمار می‌رود.

افزایـش کمی اشـتغال هم به ۲ طریق میسـر می‌شـود؛ بهره‌برداری از معادن بیشتر یا رونق اقتصادی در بخش معدن. بدیهی اسـت وقتی یکی از این موارد محقق شـود به‌تبع آن میزان اشتغال هم افزایش پیدا خواهد کرد.

جالب اینجاسـت که موانع اصلی برای دسـتیابی به اهداف فوق را نباید در خود معدن جست‌وجو کرد زیرا آنها بیشتر در بخش‌های ترابری به‌چشم می‌خورند.

بزرگ‌ترین این موانع، حمل‌ونقل است. کمبود ماشین‌آلات و ضعف زیرسـاخت‌های توسـعه سبب شده اسـت که ایران جایگاهی در میان تامین‌کنندگان مواد معدنی دنیا نداشـته باشد. بن‌بسـت تحریم‌ها و گره‌های متعدد در سیستم بانکی هم از دیگر مشکلات بزرگ این حوزه است.

عقب‌افتادگـی در ایـن بخش‌هـا و کمبودهـا و موانع آن، خواه‌ناخـواه بر توسـعه اقتصادی کشـور اثری سـوء خواهد داشت. وقتی هیچ‌یک از زیرساخت‌های ضروری وجود ندارد، نمی‌توان چشـم‌انتظار معجزه و امیدوار باشیم که مثل ترکیه یا حتی عراق ـ که الان خیلی پیشـرفته‌تر از ما شده‌اند ـ در این بخش رشد کنیم.

تنها راه نجات ما، تغییر کلی سیاسـت‌ها و رویکردها است. البته بدیهی است که این کار از حوزه اختیارات بخش معدن، صنعت و... خارج است.

سیاست‌های خرد همواره دنباله‌رو سیاست‌های کلان کشور هستند. پس تا وقتی مسیر کلی حرکت تغییر نکرده و اصلاح نشـده و بن‌بسـتی به نام تحریم وجود دارد و اراده‌ای جدی برای حل مشکلات نیست، کار چندانی نمی‌توان کرد و هرچه بزنیم به در بسـته خواهد خورد؛ ببینید که چه به سر اقتصاد کشـور آمده اسـت. امروز در جایگاهی به مراتب بدتر از ۱۰ سـال پیش ایسـتاده‌ایم و آن روز هم در شرایطی بدتر از ۱۰ سال قبلش قرار داشتیم.

به اعتقاد من وضع اقتصاد امروز ایران شبیه اتومبیلی شده اسـت که دنده یک را پر کرده است و دیگر وقت آن است که دنـده را عوض کند. اگر همچنان بـا همین وضعیت حرکت کنیم، هرچه بیشتر گاز بدهیم، انرژی بیشتری تلف و اتومبیل مستهلک‌تر می‌شود.

بـه خود بیاییم. ما داریم با شـیبی تند به‌سـوی سـقوط می‌رویم. دیگر جز تغییر راهی برای نجات نیست.

امـا در باب عوارض صادراتی مـواد معدنی - که این روزها بحـث داغی اسـت و گروهی آن را گره کور اشـتغال‌آفرینی می‌داننـد – یادآوری این نکته ضروری اسـت که سوبسـید انـرژی در ایـران آنقدر بالا اسـت که حتی بـا وضع عوارض صادراتی، همچنان نرخ تمام‌شـده برای تولیدکننده ایرانی - چیـزی حدود ۱۴، ۱۵ درصد - از تولیدکننده کشـور رقیب کمتر است.

با نگاه دقیق‌تری به ترکیه، موضوع کاملا روشن خواهد شد. در حال حاضر نرخ یک لیتر بنزین در این کشـور معادل ۴۰ هزار و نرخ یک لیتر گازوئیل ۴۲ هزار تومان است اما در ایران بـه نرخ ۱۰۰۰ تومـان در اختیار صنایع قـرار می‌گیرد. پس هزینه انرژی مصرفی برای تولیدکنندگان ترک دست‌کم ۴۰ برابر بیشتر از ایرانیان است.

از طرف دیگر یکی از ارکان صنایع فولاد، صنایع سـیمان و مانند آن بحث انرژی است و حمل‌ونقل آنها هم نیازمند مقدار قابل‌توجهی سوخت اسـت، پس اگر عوارضی پرداخت نشود، دیگر محصولی به نام فولاد صادر نشده بلکه انرژی، گاز و آب این مملکت صادر شده است.

اگـر به این عوارض صادراتی معترض هسـتند چرا به نرخ پایین سـوختی کـه می‌گیرنـد، هیچ اعتراضـی نمی‌کنند؟ می‌خواهند سـوخت مفت و سنگ‌آهن ارزان برود و منابع آب مملکت هم خشک شود تا فولاد به تولید برسد و صادر شود؟ نکنند! اینکه هنر نیست.

همان‌طور که اشـاره شـد، ایرادهـا و گرفتاری‌های اصلی حوزه‌های اقتصادی در کشـور ما علل و عوامل دیگری دارد و تـلاش برای اینکه آن را به گردن عوارض صادراتی بیندازند و بگویند «آن را بردار تا من کارآفرینی کنم» تقاضایی به‌شدت منفعت‌طلبانه و زیاده‌خواهانه است.

یادداشت

گره‌برگره‌های کور معدن نیفزاییم



پیمان افضل
فعال معدن

امروز جهان یکی از بزنگاه‌های تاریخی و بزرگ خود در حوزه تامین انرژی را پشت‌سر می‌گذارد. از یک‌سو اتحادیه اروپا در راستای مقابله با گرمایش زمین، عزم خود را جزم کرده تا واردات از کشورهای آلاینده را به‌تدریج کم کند و از سوی دیگر جنگ روسیه و اوکراین بهانه خوبی به‌دست داده تا برای حذف سوخت‌های فسیلی گام‌هایی اساسی برداشته شود. امریکا از چندی پیش واردات نفت از روسیه را متوقف کرد و به تازگی هم اعلام شد کشورهای گروه ۷، واردات نفت روسیه را متوقف یا به‌طور کامل ممنوع خواهند کرد.

این تحولات، زنگ خطری برای حضور ما در بازار جهانی است. اگر کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا مصرف سوخت فسیلی خود را کاهش دهند، آن‌وقت دیگر چه کسی مشتری نفت ما خواهد بود و اگر واردات از کشورهایی که کربن زیادی تولید می‌کنند، ممنوع شود، تولیدات ما را چه کسی خواهد خرید؟

هرچند ذخایر معدنی کشور ما می‌تواند به‌سادگی جای نفت را پر کند، اما بی‌شک با ادامه وضع موجود در دست‌انداز دوم گرفتار خواهیم شد.

امروزه کشور ما فاقد زیرساخت‌های اقتصادی و فنی لازم برای تصحیح فرآیند تولید معادن است.

ما هنوز نمی‌توانیم ماشین‌آلات مناسب را از کشورهای صاحب فناوری وارد کنیم و اگر معدنی نتواند ماشین‌آلات وارد کند، چگونه می‌تواند میزان مصرف سوخت و به‌تبع آن تولید گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد؟

از یک طرف معدنکار اجازه ندارد ماشین‌آلات خود را نوسازی کند، از سوی دیگر هزینه‌های تولید به‌شکل نجومی رو به افزایش است.

وقتی که پس از مدت‌ها رکود، بازار صادراتی تکان می‌خورد، بر کالاها عوارض صادراتی بسته می‌شود و وقتی گشایشی در زمینه واردات ماشین‌آلات ایجاد می‌شود، معافیت از حقوق ورودی آن حذف می‌شود. این چنین سیاست‌هایی به‌معنی افزودن گرهی بر گره‌های کور بخش معدن است.

البته باید نیمه پر لیوان را هم دید؛ الان دستگاه‌های حفاری خوبی در کشور تولید می‌شود، اما با حمایت نکردن از تولید داخلی، آنها روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند. ما باید بگذاریم معدنکار خودش کارش را انجام دهد، برنامه‌ریزی و پیشرفت برای خود داشته باشد، نه اینکه دست او را ببندیم و تنها از او بخواهیم که پول سوخت بیشتری بدهد. این در حالی است که حمایت از برخی تولیدکنندگان داخلی نباید به نرخ قربانی شدن بخش معدنی کشور یا فعالیت فعالان بخش خصوصی واقعی تمام شود. واقعیت این است که با یک سری پروژه‌های شعاری و تبلیغاتی، کاری از پیش نمی‌رود. مثلا کارخانه‌ای که هنوز با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کند و برای پرداخت حقوق کارگران مشکل دارد، نمی‌تواند جوابگوی نیاز معادن کل کشور باشد. در برخی موارد، ما باهدف حمایت از تولید داخلی به‌طور دقیق به‌همان مسیری قدم گذاشته‌ایم که در زمینه تولید خودرو آن را طی کرده‌ایم و از پایان ماجرا هم باخبریم. اگر قرار است تولیدات معدن، آینده کشور را تامین کند، باید از این حوزه حمایت کنیم. برای تحقق این هدف باید چند نکته اساسی را مدنظر داشت؛ وقتی امروز از نظر فناوری فاصله زیادی با کشورهایی پیشرفته داریم، نمی‌توانیم انحصار تولید را در دست داشته باشیم. زمانی که توان تولید ابزار مورد نیاز مان را نداریم باید ماشین‌آلات را وارد کنیم. در گام بعد، واردات ماشین‌آلات، نیازمند حمایت است، چون از یک طرف نرخ دلار به‌شکل سرسام‌آوری بالا رفته و ارزش پول ملی سقوط کرده و از طرف دیگر برای واردات ماشین‌آلات باید عوارض ورودی پرداخت. در این شرایط برخی معدنکاران قادر به خرید تجهیزات و ماشین‌آلات برند با کیفیت نیستند که یا باید به خرید تجهیزات رده دوم تن دهند یا به ناچار به تعمیر و استفاده مجدد از ماشین‌آلات کهنی ادامه دهند. در این شرایط استفاده از ماشین‌آلات کهنه و فرسوده، مصرف سوخت و انرژی را بالا می‌برد، نرخ تمام‌شده کالا و تولید را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش توان رقابت در بازار می‌شود.

و مهم‌تر اینکه ما را به نقطه شروع این دور باطل باز می‌گرداند و علاوه بر افزایش آلودگی هوای کشور و اتلاف سوخت و انرژی، در معرض خطر حذف از بازار جهانی و از دست دادن مشتریان قرار می‌گیریم، البته در حال حاضر تولید متوقف نمی‌شود، چون هنوز بازار از بند نیازهای خود کاملا آزاد نشده است و بحران‌ها قیمت‌های جهانی را بالا برده است.

در بررسی دلیل توسعه نیافتگی معادن مطرح شد

مدیریت مصرف انرژی حیاتی است



عکس: روزگار معدن

گروه معدن

معدن یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است، بنابراین مدیریت مصرف انرژی در این بخش اهمیتی غیرقابل‌انکار دارد.

به‌گفته بیشتر کارشناسان یارانه‌های دولتی یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه‌نایافتگی کشور در بخش مدیریت انرژی است.

دولت برای پایین نگه داشتن نرخ انرژی، هزینه‌های سرسام‌آوری متحمل می‌شود و به‌ناچار برای دریافت بخشی از آن به مالیات و عوارض و تعرفه‌های واردات و کنترل نرخ و تورم متوسل می‌شود؛ پس در واقع قدمی به جلو برداشته نمی‌شود و همه درجا می‌زنند، اما در این میان آنچه از بین می‌رود و جایگزینی بر آن نیست، منابع طبیعی و خدادادی این کشور است. پس چاره‌ای نیست جز اینکه موتور حرکت را تنظیم کنیم و دل به دریا بزنیم.

گفت‌وگوی «روزگارمعدن» با ۲ تن از کارشناسان معدن گواه این ادعای ما است.

ارزان و فراوان



تورج فتحی ـ معاون دفتر حفاظت و مدیریت زیست‌محیطی آب و خاک سازمان حفاظت محیط‌زیست:

در ایران انرژی همیشه ارزان و فراوان بوده است، بنابراین ما در مدیریت مصرف انرژی پیشرفت چندانی نکرده‌ایم. فناوری مورداستفاده ما نه‌تنها به‌روز نیست، که بسیار قدیمی و از رده خارج است، به‌همین دلیل از یک طرف نیروی برق ارزان همواره و به‌اشکال مختلف مورداستفاده قرار می‌گیرد و مصرف انرژی به‌ویژه در بخش صنعت بالا است و از طرف دیگر راندمان فعالیت‌ها پایین است.

▣ از نفس افتاده

مصرف انرژی در معادن فلزی، بیش از بقیه معادن است، اما واحدهای مختلف در زمینه بازنگری و ارتقا سیستم‌های بهره‌وری تولید مواد معدنی ـ هم با عیار مناسب‌تر و بالاتر و هم مصرف انرژی کمتر ـ حرکتی نکرده‌اند.

بسیاری از معادن - مثل معادن سرب البرز، استان مازندران و اطراف شهرستان چالوس، استان اصفهان، زنجان و مرکزی و مانند آن - با روش فلوتاسیون کار می‌کنند و روش فرآوری‌شان براساس فناوری ۷ تا ۸ دهه پیش است.

در معادن زغال‌سنگ یا واحدهایی که زغالشویی انجام می‌دهند هم، شرایط بهتر از این نیست. آنها هم واحدهایی بسیار قدیمی‌اند. بنابراین هم واحدهایی که مواد خام اولیه استخراج می‌کنند و هم آنهایی که فرآوری دارند، هیچ‌یک به فناوری‌های جدید و مهارت‌های کنترل مصرف انرژی دسترسی ندارند.

▣ چراغ دانش‌بنیان‌ها روشن است

روشن است که باید در حوزه مدیریت مصرف تحولی اساسی داشته باشیم، باید توانمندی خود را در زمینه دانش‌های جدید افزایش دهیم و شعار امسال را ـ تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین ـ که در دستورکار دولت قرار دارد، به‌سرعت محقق کنیم.

علت اصلی عقب‌ماندگی ما در این مدت، شرایط اقتصادی در بخش صنعت، به‌علاوه تحریم‌ها و اتکا نداشتن به توانمندی و دانش‌های بومی داخلی بوده است.

خیلی‌وقت‌ها ظرفیت‌های داخلی را در عرصه مدیریت کلان کشور نادیده گرفته‌ایم؛ ظرفیتی که در جوان‌ها وجود دارد و در شرکت‌های دانش‌بنیان نمود پیدا کرده است، می‌تواند ابداعات خوبی انجام دهد، می‌تواند از نمونه‌های خارجی الگو گرفته و حتی آنها را بهسازی و بومی‌سازی کند ـ به‌گونه‌ای که از مدل‌های خارجی هم راندمان، کیفیت و امکانات بهتری داشته باشد ـ و در نهایت در بخش مصرف انرژی، صرفه‌جویی ایجاد کند، اما همان‌طور که گفتم همه این ظرفیت‌ها بلااستفاده مانده و صنایع مهم معدنی کشور به همان راهی می‌روند که حداقل از ۴۰، ۵۰ سال پیش شروع کرده‌اند.

▣ چرا و به چه علت؟

می‌توان از صنایعی که نام برده شد ـ که از صنایع معدنی مهم و بزرگ کشور هستند ـ پرسید که چرا حداقل در ۲ دهه اخیر هیچ برنامه‌ای برای ارتقا فناوری و مدیریت انرژی نداشته‌اند. در بازدیدهایی که از واحدهای نام‌برده داشتم، شاهد بودم که همه دارند با همان روش‌های قدیمی کار می‌کنند. فقط در ذوب‌آهن اصفهان دیدم که واحد کک‌سازی‌اش به‌روز شده است، اما در این مورد هم، چون فناوری‌های چینی به‌کار گرفته شده، از استاندارد بالایی برخوردار نیست و به‌همین خاطر به راندمانی بالاتر از آنچه قبلا بوده، نرسیده است.

▣ حفظ وضع موجود به هر قیمتی

علت اصلی ـ جدا از شرایطی که طی یکی، دو دهه اخیر با آن دست به گریبان بودیم ـ انرژی ارزان و یارانه‌ای است. صنعت ما آنقدر به این سیستم‌های قدیمی با مصرف انرژی بالا و راندمان پایین معتاد شده و این بیماری چنان در تن آن ریشه دوانده که با کوچک‌ترین تغییری واکنش نشان می‌دهد. اگر حرفی از کاهش یا حذف یارانه به‌میان آید، صدای اهالی صنعت بلند می‌شود که شما دارید ظلم می‌کنید، خودکفایی را زیرسوال و آن را از بین می‌برید.

سال‌هاست که بخش صنعت سعی کرده است به بهانه‌های مختلف شرایط موجود را حفظ کند و با این روش به‌حیات خود ادامه دهد.

به این ترتیب هیچ نیازی به برنامه‌ریزی برای ارتقا فناوری‌ها با هدف افزایش راندمان، کاهش مصرف انرژی و ارائه محصولی باکیفیت بالاتر، احساس نکرده‌اند.

برای مدیریت انرژی باید روش‌های فرآوری را تغییر داد؛ به‌شکلی که هم مصرف انرژی کمتر شود، هم راندمان بالاتر برود و هم ظرفیت‌های داخلی تا جای ممکن مورداستفاده قرار گیرد.

▣ جایی برای انرژی پاک نیست

ایران امکان تولید و بهره‌برداری از انرژی پاک را دارد، اما دولت تسهیلاتی در این زمینه به واحدهای سرمایه‌گذاری، صنعتی و معدنی اختصاص نداده است و خود واحدها هم گرایشی به آن نشان نداده‌اند. معادنی که در مقیاس کوچک و متوسط هستند و دور از مناطق شهری قرار دارند، به‌طورمعمول در نقاطی قرار دارند که خط انتقال نیرو یا برق از نزدیکی آنها عبور نمی‌کند. مثلا در استان سمنان معادنی داریم که کاملا از مناطق شهری و خطوط انتقال نیرو دور هستند و اگر بنا باشد یک خط انتقال نیرو از شبکه‌های موجود به معدن وصل کنند، صدها کیلومتر خط انتقال نیرو نیاز خواهد بود؛ پس طبیعی است که این روش برای آنها اصلا به‌صرفه نیست، آن‌هم برای معدنی که مقیاس ذخیره‌شان در حد متوسط است.

بنابراین در حال حاضر همه معادن متوسط و کوچک‌مقیاس ـ که خیلی نسبت به چند دهه قبل افزایش پیدا کرده است ـ به موتورهای تولید برقی رو آورده‌اند که از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌کنند.

کشور ما تاکنون از ایجاد زیرساخت‌هایی برای تولید و استفاده از انرژی پاک باد یا خورشید غفلت کرده است. شاید اینجا دولت هم مقصر بوده، زیرا تاکنون هیچ تسهیلات یا سیاست تنبیهی و تشویقی وجود نداشته است تا واحدها به این مسیر سوق داده شوند.

مصائب یارانه انرژی



کامران وکیل ـ نایب رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات معدنی:

چیزی به‌نام مدیریت انرژی در کل فعالیت‌های کشور وجود ندارد.

کدام کشور دنیا به مصرف سوخت یارانه می‌دهد؟ همه دولت‌ها از مصرف سوخت مالیات می‌گیرند؛ چون هم خیابان‌ها را شلوغ می‌کند، هم توسعه راه و جاده لازم دارد، هم باید فکری به‌حال آلودگی هوا بکنند و هم هزاران مشکل ریز و درشت دیگر را در مسیر تامین و مصرف انرژی حل کنند.

اما در ایران هر سال میلیاردها میلیارد دلار سرمایه کشور دود می‌شود و به هوا می‌رود؛ بودجه‌ای که باید صرف گسترش زیرساخت‌ها، ایجاد کارخانه‌ها و رشد توسعه کشور شود، باک ماشین‌های فرسوده و درب و داغان ـ با فناوری ۴۰ سال پیش ـ را پر می‌کند و آلودگی هوا، شلوغی خیابان‌ها، اتلاف وقت، ترافیک، حمل‌ونقل عمومی ناکارآمد و امثال این مشکلات را شکل می‌دهد؛ اینها همه از عواقب یارانه‌ای است که دولت به سوخت می‌دهد.

▣ حرام شدن انرژی

یکی از نتایج سوخت ارزان، جانمایی غلط کارخانه‌ها و کارگاه‌ها است. به‌عنوان مثال، صنعت سنگبری - بغل گوش تهران - در شهرک شمس‌آباد، پا گرفته است؛ هیچ جای دنیا چنین چیزی دیده نمی‌شود. همه‌جا معادن، نزدیک کارخانجات احداث می‌شوند، زیرا مثلا حمل سنگ که ۳۰، ۴۰ درصد آن در حال بریدن، زیر تیغه اره پودر می‌شود، معقول نیست، اما در کشور ما چون سوخت ارزان است، سنگ را برمی‌دارند و از کیلومترها آن‌طرف‌تر به تهران منتقل می‌کنند، می‌برند و بعد دوباره سوار ماشین می‌کنند و به جاهای دیگر می‌فرستند. اگر نرخ سوخت واقعی بود کسی این‌طور منابع را حرام می‌کرد؟

▣ چرا؟! چون...

شهرهای بزرگ مدام شلوغ و شلوغ‌تر می‌شود، چرا؟! چون همه کارخانجات اطراف شهرها تمرکز کرده‌اند. چرا اطراف شهرها هستند؟! چون سوخت ارزان است و هیچ‌کس به مقوله حمل‌ونقل در کشور ما توجه نمی‌کند. کرایه حمل را که افزایش می‌دهند، تازه آن بیماری اقتصاد خود را نشان می‌دهد و جانمایی غلط کارخانه‌ها و شکل‌گیری نظام صنعتی، بدون در نظر گرفتن هزینه انرژی ـ که یکی از رقم‌های اصلی هزینه تولید در دنیا است ـ معضل اصلی بخش تولید می‌شود.

▣ از خشت اول کج بنا شده

چرا دولت اینجا باید بنزین و گازوئیل مجانی به مردم بدهد؟ بنزین در ترکیه لیتری ۲۰ لیر است که به پول ما ۴۰ هزار تومان می‌شود، اما در ایران لیتری هزارو ۵۰۰ و ۳ هزار تومان است، خب طبیعی است که بخش زیادی از آن قاچاق می‌شود.

در کشور ما کسی موتور تنظیم نمی‌کند. کسی به مصرف سوخت ماشین نگاه نمی‌کند، در حالی که کم‌مصرف بودن یکی از اصلی‌ترین پارامترهای تولید خودرو در جهان است. این ساختار غلط است. از خشت اول کج نهاده شده است. حالا روی آن برجی صد طبقه ساخته شده؛ تلاش برای تغییر نمای طبقه آخر بی‌فایده است.

▣ این چه حمایتی است؟

دولت باید برنامه‌ای بگذارد و سیستم را به‌تدریج و پلکانی اصلاح کند تا هم یک‌باره شوک به اقتصاد کشور وارد نشود و هم این بیماری را درمان کند.

مگر همه‌جای دنیا چه کار می‌کنند؟ مگر به تولیدکننده ژاپنی، چینی، آلمانی و امریکایی کارت سوخت مجانی می‌دهند؟ آنها چطور تولید می‌کنند و کالاهای‌شان از کفش، شلوار، کت و پیراهن گرفته تا ماشین‌آلات و هرچه فکر کنیم؛ آنقدر از تولیدات ما بهتر است که همه عاشق وارد کردن آنها هستیم.

ما میلیارد میلیارد پول را نابود کرده‌ایم تا از تولید حمایت کنیم؛ این چه حمایتی است که نتیجه‌اش به اینجا رسیده است؟ به اعتقاد من دولت به‌جای اینکه پول بدهد، به‌جای اینکه میلیاردها میلیارد از سرمایه کشور را مفت، حرام کند و در بازار بریزد، باید آن را مدیریت کند. یک جایی بالاخره باید این نقیصه جبران بشود. حالا آنجا کجاست و چه مقطعی و با چه فرمولی! ...به‌شکل مسلم برنامه‌ریزی می‌خواهد تا اثر تورمی‌اش کنترل شود. باید یک‌سری از اقشار موردحمایت قرار گیرند و با برنامه‌ای بلندمدت، مدون و مشخص پیش برود تا هم نارضایتی اجتماعی ایجاد نشود و هم به‌مرور سم مهلک یارانه از تن و بدن اقتصاد خارج شود.

▣ سخن پایانی

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که مدیریت انرژی تنها مسیر مطمئنی است که از طریق آن، صنایع – به‌ویژه صنایع معدنی - می‌توانند گامی در راستای صرفه‌جویی بردارند و موتور محرکه این اقدام، تصحیح نظام یارانه‌ها است؛

اما این نه راهی است که آسان بتوان پیمودن.



معادن بکر افغانستان در میدان رقابت ایران با چین، پاکستان و هند

بهشت سنگ‌های قیمتی نصیب کدام کشور می‌شود؟



عکس: روزگار معدن

گروه معدن

افغانستان به‌دلیل برخورداری از ذخایر و ظرفیت‌های بالای معدنی که افزون بر بیش از ۱۴۰۰ نقطه می‌شود در چند سال اخیر موردتوجه بیشتر کشورهای منطقه و البته قدرت‌های بزرگ قرار داشته است.

به گزارش «روزگارمعدن» پس از خروج امریکا از افغانستان، چین، پاکستان و هند سه ضلع مثلثی را تشکیل داده‌اند که به‌نوعی معادن افغانستان را انحصارا در اختیار گرفته‌اند. برخی معتقدند باتوجه به سفر اخیر مقامات وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران و مذاکره با دولت این کشور می‌توان امیدوار به باز شدن فضایی تازه در روابط اقتصادی دو کشور بود.



کیوان جعفری‌طهرانی، تحلیلگر ارشد بین‌المللی حوزه معدن و صنایع معدنی معتقد است اگر ذخایر لیتیوم افغانستان را هم حساب کنیم، ارزش معادن و ذخایر این کشور به ۳ هزار میلیارد دلار یا ۳ تریلیون دلار می‌رسد. البته بدون لیتیوم نیز ارزش ذخایر معدنی افغانستان هزار میلیارد دلار یا یک تریلیون دلار خواهد بود. این ارقام نشان می‌دهد ذخایر بسیار بزرگ و گسترده‌ای در افغانستان نهفته است. این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی حوزه معدن با اشاره به وضعیت نابسامان افغانستان از نظر اقتصادی گفت: بسیاری از ذخایر بکر در این کشور بهره‌برداری نشده است؛ از همین رو امروز بیشتر کشورهای جهان از جمله چین، روسیه و تا حدی هند علاقه‌مند هستند در افغانستان حضور پیدا کنند. البته از بین همه اینها

سهم ایران از معادن افغانستان

جایگاه چین بالاتر است. چین در توافقنامه با پاکستان در زمینه طرح مبتکرانه کمربند و جاده BRI که باعث توسعه پاکستان و بنادر گوادر شده، نقش پررنگی داشته است؛ به این ترتیب چین چند سالی است که در پاکستان حضور پیدا کرده است.

جعفری‌طهرانی با اشاره به اینکه چین به‌شدت به ذخایر غنی سنگ‌آهن، مس، خاک‌های نادر و لیتیوم افغانستان نیاز دارد، ادامه داد: جایگاه چین برای حضور در معادن افغانستان بسیار پررنگ‌تر از سایر کشورها است؛ به‌ویژه اینکه این کشور سابقه حضور در معادن افغانستان را دارد. نخستین شرکت خارجی که در سال ۲۰۰۷ نسبت به بهره‌برداری از معدن مس عینک در ایالت لوگر اقدام کرد، چینی بود. چینی‌ها تا سال ۲۰۱۴ تا زمانی که داعش به این معدن حمله نکرده بود، در افغانستان حضور داشتند. او با اشاره به اینکه امروز چین بیشترین شانس برای بهره‌برداری از معادن افغانستان را دارد، ادامه داد: طالبان در توافقی با چین و پاکستان بخش زیادی از بهره‌برداری معادن را به چینی‌ها واگذار خواهد کرد. این تحلیلگر ارشد بازار بین‌المللی معدن با اشاره به نقش ایران در بهره‌برداری از معادن افغانستان تاکید کرد: امیدوارم ایران نیز در جمع بهره‌برداران اصلی معادن افغانستان حضور یابد و بتواند با دانش خوب اکتشاف و استخراجی که دارد از معادن سنگ‌آهن و مس این کشور بهره‌برداری کند. از آنجا که ایران در آینده با کمبود سنگ‌آهن مواجه می‌شود باید بتواند در این کشور ورود و از معادن سنگ‌آهن آن بهره‌برداری کند.

امروز باتوجه به اینکه طالبان از سیاست پاکستان تبعیت می‌کند، ایران باید هرچه زودتر به مثلث پاکستان، چین و افغانستان متصل شود. او تصریح کرد: البته طالبان باید به این امر اشتیاق نشان دهد که فعلا چنین اشتیاقی اعلام نشده است. باوجود برنامه‌ریزی چین، ترکیه و پاکستان برای معادن افغانستان، بعید می‌دانم به‌زودی سهمیه‌ای برای ایران به‌منظور حضور در معادن افغانستان اختصاص پیدا کند.

جعفری‌طهرانی ادامه داد: چین از طریق پاکستان می‌تواند افغانستان را به بندر گوادر وصل کند و عملا از شهر کاشگر در استان سن‌کیانگ چین که با افغانستان همسایه است، نقطه غربی چین را از طریق افغانستان و پاکستان به دریای عمان و اقیانوس متصل و مشکل ترانزیت کالا را از طریق دریای آزاد به غرب چین به‌ویژه برای واردات نفت از طریق ۳ هزار کیلومتر خط لوله احداث‌شده، برطرف کند. او با اشاره به کم‌کاری دولت‌های قبلی ایران نیز گفت: هرچند امریکا در افغانستان حضور داشت و به ایران اجازه ورود نمی‌داد، اما کم‌کاری‌هایی هم از طرف ما صورت گرفت. در حال حاضر هم با حضور چین و باتوجه به اینکه هیچ تفاهمنامه‌ای هم با چین امضا نکردیم و قرارداد ۲۵ ساله هم تنها در حد حرف ماند و فقط وقت‌کشی کردیم، ایران جایگاهی در افغانستان ندارد؛ مگر اینکه تغییر سیاستی توسط دولت ایجاد و باعث شود ارتباط با افغانستان و البته با چین نیز بهتر شود. از نقش عربستان در افغانستان نیز نباید غافل شد. از آنجا که این کشور نقش فعالی در سیاست‌گذاری سیاسی و اقتصادی پاکستان دارد، در نتیجه در افغانستان هم نفوذ دارد. او تصریح کرد: باتوجه به اینکه سیاست‌گذاری فعلی طالبان از پاکستان نشأت می‌گیرد، می‌توان گفت نقش عربستان هم در افغانستان پررنگ است؛ از همین رو ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی ایران با عربستان حتی می‌تواند برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با افغانستان موثر باشد.

فرصت سرمایه‌گذاری ایران در معادن افغانستان



رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان از فرصت سرمایه‌گذاری ایران در معادن افغانستان خبر داد. حسین سلیمی ضمن بیان این مطلب افزود: تاکنون بیش از ۱۴۰۰ منطقه معدنی در افغانستان شناسایی‌شده است. این کشور پهناور دارای ذخایر زیرزمینی از جمله مس، لیتیوم، آهن، طلا، نیوبیوم و کبالت است که با استخراج این معادن، افغانستان به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده مواد معدنی در جهان تبدیل خواهد شد. امیدوارم سفر معاون معدنی و فرآوری مواد وزیر صنعت، معدن و تجارت مقدمه‌ای باشد برای همکاری دو کشور در حوزه معدن و در این زمینه باید دولت پیش‌قدم باشد. او معتقد است از آنجایی که قوانین در افغانستان ثبات کافی ندارد و تغییرات بسیار سریع اتفاق می‌افتد، سرمایه‌گذار دولتی به‌خاطر مسائل سیاسی می‌تواند ریسک کند، اما بخش خصوصی نیاز به قوانین باثبات دارد و باید امنیت سرمایه‌گذاری در کشور افغانستان وجود داشته باشد تا بخش خصوصی وارد حوزه معدن و سایر حوزه‌ها شود.

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان به سایت اتاق ایران گفت: مدت‌هاست که چین، پاکستان، روسیه و ترکیه به حوزه معدن در افغانستان وارد شده‌اند. ما همسایه این کشور هستیم و مرزهای طولانی با آنها داریم و نباید از سرمایه‌گذاری در افغانستان غفلت کنیم. ما با کمبود معادن سنگ‌آهن روبه‌رو هستیم و می‌توانیم این کمبود را از افغانستان جبران کنیم. او تاکید کرد: آمارها نشان می‌دهد افغانستان ۱.۴ میلیون تن عناصر نادر خاکی دارد که گروهی متشکل از ۱۷ عنصر مورد استفاده در ساخت محصولات الکترونیکی مصرفی و تجهیزات نظامی هستند. کوه‌های افغانستان منابع معدنی مهمی نظیر مس، طلا، نفت، گاز طبیعی، اورانیوم، بوکسیت، زغال‌سنگ، سنگ‌آهن، عناصر خاکی نادر، لیتیوم، کرومیوم، سرب، روی، سنگ‌های قیمتی، تالک، سولفور، تراورتن، گچ و سنگ مرمر را در خود جای داده‌اند.

او ادامه داد: البته من در این مدت تغییرات مهمی در جهت همکاری ندیده‌ام، اما اینکه دولت‌ها پیش‌قدم همکاری در حوزه معدن شوند، گام مثبتی است و بخش خصوصی از آن استقبال می‌کند.

سخن پایانی...

همکاری در حوزه معدن فرصت مناسبی برای تجارت پایدار میان دو کشور ایران و افغانستان به‌شمار می‌رود؛ برهمین اساس کارشناسان معتقدند معادن افغانستان می‌توانند محور اصلی همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری شوند و ادامه این روند می‌تواند نوید خوبی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ایران هم باشد. با این همه فعالان این حوزه معتقدند باید با بررسی دقیق قوانین این مسیر، مشکلات به روشنی شناسایی شود و در صورت ثبات شرایط، بخش خصوصی آمادگی لازم برای سرمایه‌گذاری در این حوزه را دارد.

اخبار

بازار داخلی فولاد روسیه خواستار کاهش مالیات



وزیر صنعت و تجارت روسیه از ریاست جمهوری این کشور خواسته مالیات فولاد و مواد اولیه فولادسازی کاهش داده شود.

سال ۲۰۲۱ با افزایش سوددهی بخش فولاد روسیه دولت با مالیات غیر مستقیم بر فولاد و مواد اولیه سعی کرد بخشی از سود بیش از حد شرکت‌های فولادی را از آن خود کند ولی حال دریافت این مالیات بی‌مورد است چرا که بازارهای مواد اولیه فولاد و محصولات فولادی روسیه راکد است و عملکرد مالی شرکت‌ها به طور چشمگیری بدتر شده است.

به گزارش فولاد ایران، نیمه اول امسال زمانی که نرخ فولاد صعودی بود، مالیات غیر مستقیم قابل توجیه بود، اما اکنون با تداوم کاهش نرخ ها، سوددهی کاهش یافته است.

فولادسازان روس با دسترسی محدود به بازارهای غربی فعالیت می‌کنند و صادرات آنها در سه ماهه دوم ۲۰ درصد کاهش یافت.

همچنین با رکود مصرف داخلی مواجه هستند.





محک فقط تهران نیست!
همه‌ی ایران مهر شما همراهشونه

کمک از طریق کد دستوری:
#۲۳۵۴۰*۷۳۳*

محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org
کمک از طریق وب‌سایت محک
و گزینه نیکوکاری اپلیکیشن آپ

خبر

استخراج ۲۵۰ هزار تن کانسنگ طلا از معادن خراسان جنوبی



معاون امور معادن و صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی اظهار کرد: حدود ۲۵۰ هزار تن کانسنگ طلا در ۴ماهه امسال از معادن طلای خراسان‌جنوبی استخراج شده است. به گزارش ایسنا، حجت ایمان طلب گفت: مجموع ذخایر قطعی ثبت شده معادن طلای استان حدود ۳۴ میلیون تُن است که در ۴ ماهه ابتدای سال ۲۵۰ هزار تن کانسنگ طلا از این معادن استخراج شده است. وی با بیان اینکه معادن طلای خراسان‌جنوبی برای ۷۰۰ نفر شغل ایجاد کرده است، افزود: بیشترین استخراج کانسنگ طلا استان مربوط به معدن طلای شادان در خوسف با ۱۸۰هزار تن کانسنگ طلا است گفت: با اکتشافات جدید در معدن طلای شادان احتمالا ۱۵ میلیون تن به ذخیره این معدن اضافه شود. معاون امور معادن و صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان‌جنوبی با بیان اینکه درحال‌حاضر ۳ واحد فرآوری طلای کودکان، شادان و هیرد در خراسان جنوبی فعال است، یادآور شد: هم‌اکنون ۶معدن طلا در خراسان‌جنوبی وجود دارد که معدن طلای هیرد در نهبندان و معادن شادان، ماهرآباد، کودکان و خونیک در شهرستان خوسف و خدا آفرید در بشرویه واقع شده است.



عکس: روزگار معدن

طرح‌های فناورانه مانع خام‌فروشی مواد معدنی می‌شود

گروه معدن

رئیس جهاد دانشگاهی استان سمنان گفت: طرح‌های فناورانه این مجموعه جلوی خام‌فروشی مواد معدنی را می‌گیرد و به گسترش پوشش گیاهی بیابان کمک خواهد کرد.

به گزارش تسنیم، سمنان استانی پهناور در قلب کویر ایران با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های برجسته‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله صنعت، معدن، کشاورزی، دامپروری و گردشگری است.

امروزه در سراسر دنیا برای ثروت‌آفرینی و توسعه همه‌جانبه تمرکز بر ظرفیت‌های بومی و محلی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است، رویکردی که مسئولان امر باید بیش از پیش بدان توجه کنند تا توسعه شکل بگیرد.

با توجه به بهره‌مندی استان سمنان از دو ظرفیت مهم در حوزه صنعت و معدن نیاز است موانع و مشکلات پیش‌روی بهره‌وری از این ظرفیت‌ها برداشته شود که ازجمله آنها خام فروشی مواد معدنی است.

خام فروشی مواد معدنی بدون فرآوری هدر دادن ثروت ملی است؛ ذخایری که ارزآور هستند و فرآوری آنها کمترین وابستگی به خارج از کشور را دارد و تاثیر تحریم بر آنها کمتر بوده است؛ بنابراین با اتخاذ تدابیری عملی و جذب سرمایه‌گذاران در این حوزه می‌توان این دغدغه را برطرف کرد. استان سمنان با برخورداری از ذخایر غنی و متنوع معدنی و بهره‌برداری حدود ۴۰ نوع ماده معدنی، دارای رتبه اول از نظر تولید گچ، نمک، سلستین و زئولیت، رتبه دوم در تولید سولفات سدیم، رتبه سوم در تولید زغال‌سنگ و کرومیت و یکی از سه استان برتر کشور در تولید زغال‌سنگ است.

این استان بزرگ‌ترین ذخایر زئولیت، گچ، نمک و سلستین را در کشور دارد می‌گوید استان سمنان را می‌توان پایتخت نمک و گچ ایران و جهان نامید. ۶۰ درصد نمک موردنیاز کشور و همچنین ۴۰ درصد از گچ موردنیاز کشور از معادن استان سمنان تأمین می‌شود و ۹۵ درصد سلستین، ۹۵ درصد زئولیت، ۲۰ درصد کرومیت، ۴۰ درصد سولفات سدیم کشور از معادن استان سمنان استخراج می‌شود.

علی منصفی‌راد، رئیس جهاد دانشگاهی استان سمنان با تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های صنعتی و معدنی استان سمنان گفت: این‌ها مزیت‌های برجسته‌ای هستند که باید به نحو مطلوبی از آنها در راستای اشتغال آفرینی و توسعه ثروت از آنها بهره‌گیری شود.

وی با اشاره به اولویت‌های مهم و اساسی جهاد دانشگاهی در مسیر جلوگیری از خام فروشی مواد معدنی در استان سمنان گفت: طرح‌های فناورانه تولید کود ارگانیک بر پایه مواد معدنی و مالچ معدنی در راستای جلوگیری از خام فروشی و گسترش و توسعه پوشش گیاهی بیابان در مرحله تولید نمونه و راه‌اندازی خط تولید قرار دارد. وی با بیان اینکه راه‌اندازی خط تولید این طرح‌های فناوری در استان سمنان نیازمند تأمین اعتبار است گفت: در صورت راه‌اندازی خط تولید این ۲ طرح برای ۷۰ نیروی نخبه و دانش‌آموخته به‌صورت مستقیم اشتغال‌زایی صورت می‌گیرد.

رئیس جهاد دانشگاهی استان سمنان با اشاره به انجام اقدامات مؤثر در حوزه مهندسی معادن نیز گفت: طرح تولید ۶ قطعه ضروری حفاری معادن در حوزه مهندسی معدن در مرحله بررسی و تولید اولیه قرار گرفته است.

منصفی راد عنوان کرد: طرح مطالعاتی ایجاد قطب دامپروری مهدی‌شهر پیش از سفر دوم رئیس‌جمهور به استان سمنان تکمیل می‌شود گفت: تا کنون ۶۵ درصد از مطالعات در این خصوص انجام شده است و در صورت برآورد اعتبارات لازم و جذب آن این طرح مطالعاتی تحویل استانداری سمنان می‌شود. وی از احداث طرح به نژاد دامی در ساختمانی با مساحت یک‌هزار مترمربع و اعتباری بالغ بر ۱۱ میلیارد تومان خبرداد و گفت: این طرح با محوریت تولید گوسفند نژاد سنگسری و افزایش بهره‌وری تولید گوشت و مشتقات دامی انجام می‌شود.

رئیس جهاد دانشگاهی استان سمنان با اشاره به مقاوم بودن نژاد گوسفند سنگسری در برابر کم‌آبی اضافه کرد: طرح به نژاد دامی پس از تهیه تجهیزات در هفته دولت سال ۱۴۰۱ به بهره‌برداری خواهد رسید.

منصفی راد از دیگر برنامه‌ها و اولویت جهاد دانشگاهی را ایجاد مجتمع‌های دامپروری و ایستگاه اصلاح نژاد عنوان کرد گفت: حوزه مأموریت‌های جهاد دانشگاهی محدود و منحصر در چند فعالیت خاص نیست و نمونه آن ورود این مجموعه در مباحث بهداشتی و درمانی است.

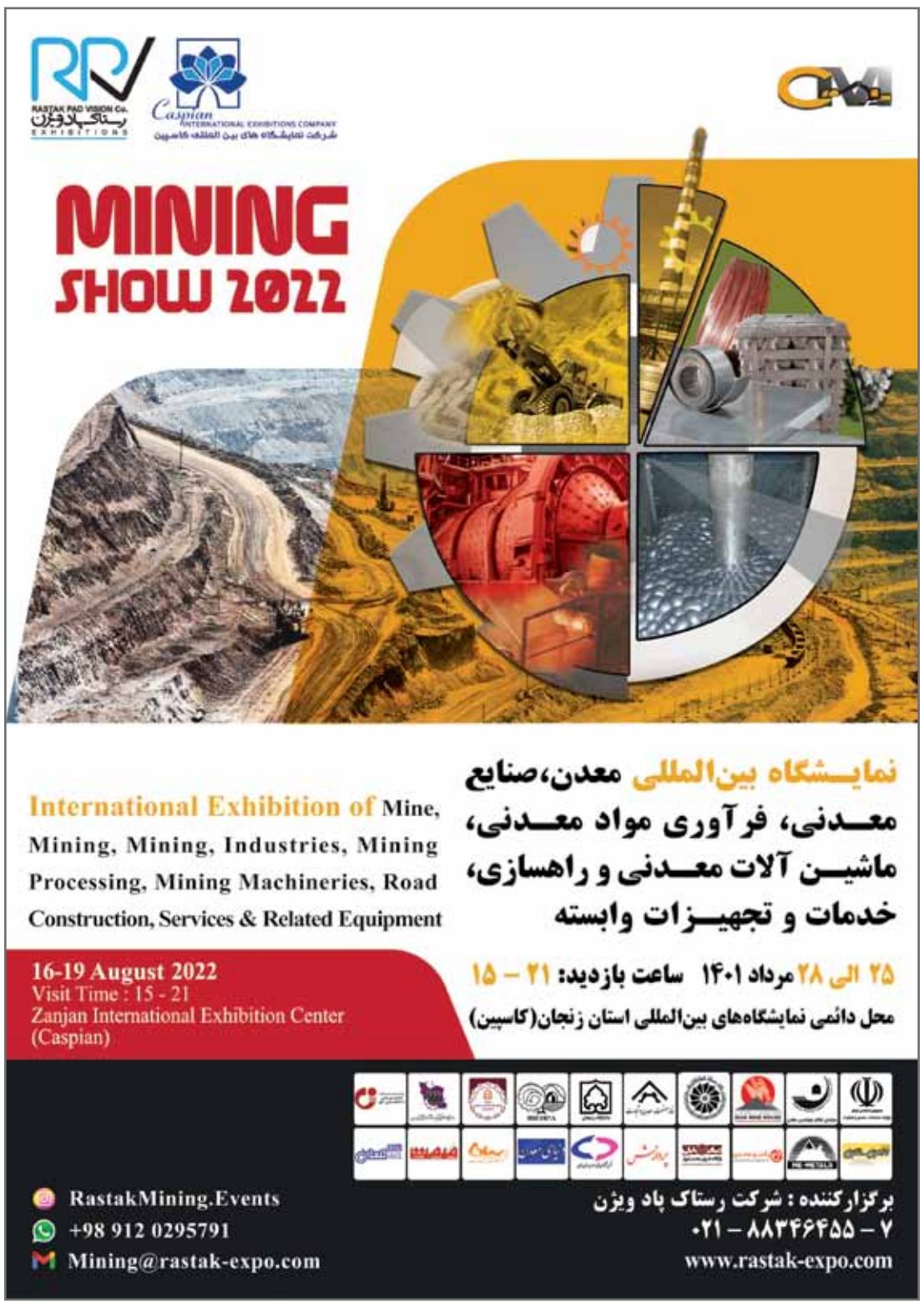
وی با اشاره به ایجاد پژوهشگاه‌های رویان و ابن‌سینا توسط جهاد دانشگاهی کشور گفت: ما نیز مجوز تأسیس درمانگاه ناباروری استان سمنان را اخذ کرده این که این درمانگاه در منطقه دربند مهدی‌شهر با احداث ساختمان یک هزار و ۲۰۰ مترمربعی تأسیس شده و پس از تکمیل تجهیزات آماده بهره‌برداری خواهد شد.

رئیس جهاد دانشگاهی استان سمنان با اشاره به اینکه با راه‌اندازی درمانگاه ناباروری استان سمنان نیاز ۸۰ درصد از بیماران و درمان آنها پاسخ داده خواهد شد گفت: درمان ناباروری در این درمانگاه‌ها در ۳ سطح تشکیل پرونده، ارجاع بیماران به مرکز درمانی تهران، درمان با تجویز دارویی وای وی اف انجام می‌شود.

منصفی راد همچنین از دریافت مجوز راه‌اندازی درمانگاه دیابت در سمنان خبر داد و گفت: این درمانگاه در میدان هفت‌تیر سمنان با محوریت ترمیم زخم، مشاوره و روانشناسی، درمان پزشکی و درمان زخم‌های ناشی از سوختگی در حال احداث است و درمان زخم نیز با استفاده از سلول‌های بنیادی و پانسمان بیولوژیک انجام می‌شود و قطع عضو صورت نمی‌گیرد. وی در مورد اجرای طرح ملی مشاغل خانگی در استان سمنان نیز گفت: ظرفیت استان در اجرای این طرح یک هزار و ۳۰۰ نفر است که تا به امروز یک هزار و ۲۰۰ نفر جذب و ۹۰۰ شبکه ارزش تولید شده است.

در سالی که به نام تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرینی از سوی رهبر معظم انقلاب نام‌گذاری شده است؛ قطعا توجه به پیوند روزافزون دانشگاه‌ها با این عنوان بسیار حائزاهمیت است که بر اساس آنچه از سوی رئیس جهاد دانشگاه استان سمنان گفته شد گام‌های موثری در راستای تحقق شعار سال برداشته شده است؛ اقداماتی که به گفته وی برای نهایی شدن و تکمیل و تسریع در روند آن نیازمند حمایت همه‌جانبه و تأمین اعتبارات لازم است.







عکس: آیدا فریدی

گفت‌وگوی «روزگارمعدن» با استاد دانشگاه تربیت مدرس درباره شرایط آموزشی رشته معدن

لزوم آشتی صنعت و دانشگاه

گیتا جاودانی

آموزش و چالش‌های پیش‌روی آن از مباحث داغ حوزه معدن در هفته گذشته بود. از یک‌سو درباره توانمندی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته معدن اما و اگرهای زیادی مطرح می‌شود و از سوی دیگر می‌گویند رتبه رشته مهندسی معدن برخی دانشگاه‌های تراز اول کشور از جمله دانشگاه تربیت‌مدرس - براساس سیستم رتبه‌بندی موضوعی شانگهای در سال ۲۰۲۰-۲۰۱۹ - در رده ۴۵ تا ۷۵ دانشکده‌های مهندسی معدن دنیا بوده است (رتبه‌ای که بسیار بهتر از سایر رشته‌های مهندسی است). صفحه معدن پیش از این وضعیت آموزش را از دیدگاه اهالی صنعت به‌تصویر کشیده است، اما این‌بار به دانشگاه سر زدیم.

گفت‌وگوی «روزگارمعدن» با محمدرضا خالصی، استاد دانشگاه تربیت مدرس نگاهی دارد به جایگاه دانشگاه و ارتباط آن با بخش صنعت.

◉ نقاط ضعف و قوت سیستم آموزشی فعلی ما چیست؟

دانشگاه‌های ما هرجا نیاز به بودجه یا ارتباطات دارند، ضعیف عمل می‌کنند، چون در حال حاضر میزان پولی که به دانشگاه‌ها تزریق می‌شود، اندک است و دانشگاه‌های ما با محدودیت امکانات مالی روبه‌رو هستند، بنابراین مراکز آموزشی ما هرجا که نیاز به منابع مالی است، برای مثال آزمایشگاه، تجهیزات، ارتباط با مجامع صنعتی و بین‌المللی و مانند آن قوت و قدرت چندانی ندارد. ارتباط دانشجویان ما با همتایان خود در سایر نقاط دنیا قطع است و تماس محدودی با صنعت دارند.

البته این سخن به‌معنای آن نیست که دانشگاه‌های ما ضعیف هستند. من معتقدم مراکز آموزش عالی کشور نسبت به سایر بخش‌ها بسیار پیشرو و نزدیک به استانداردها است.

یکی از مهم‌ترین دلایل قدرت مراکز آموزش عالی کشور این است که حداقل نیمی از اساتید دانشگاه‌های بزرگ و مرجع ما در کشورهای پیشرفته معدنی تحصیل کرده‌اند. آنها حضور در سیستم‌های آموزشی بین‌المللی و دانشگاه‌های بزرگ دنیا را تجربه کرده و حتی سابقه تدریس در این دانشگاه‌ها را نیز دارند و ماحصل تلاش خود را به دانشگاه‌های داخل کشور منتقل کرده‌اند، بنابراین ما در بسیاری از رشته‌ها - از جمله رشته معدن - تعداد زیادی استاد داریم که جزو اساتید برتر دنیا هستند.

در رشته معدن استادانی داریم که از نظر تعداد مقالات، پژوهش‌ها یا جایگاه بین‌المللی‌شان جزو دانشمندان یک درصد یا دو درصد دنیا به‌شمار می‌روند (یعنی از میان ۱۰۰ نفر که دارای این تخصص هستند، تنها یک درصد به این مرتبه رسیده اند)؛ بنابراین دانشگاه‌های ما کمابیش استانداردهای آموزشی و پژوهشی را دارند.

> هم دانشگاه و هم صنعت ما دولتی، غیررقابتی و غیرپویا است، اما صنعت تلاش می‌کند همه تقصیرها را گردن دانشگاه بیندازد

◉ آیا صنعت ما هم از این استاندارد برخوردار است؟

صنعت دولتی که پویایی و رقابت در آن معنایی ندارد، از اساس چه سوالی دارد که دانشگاه بخواهد به آن پاسخ دهد؟

صنعتی که کارش واردات و خرید از خارج است و راه‌حل تمام مسائلش را از آن‌سوی مرزها طلب می‌کند، نیازی ندارد که دانشگاه بخواهد پاسخگوی آن باشد.

◉ چرا خروجی‌های دانشگاه ما نمی‌توانند به‌طورمستقیم وارد صنعت شوند؟

خیلی وقت‌ها این سوال پیش می‌آید، اما من از نزدیک شاهد بودم که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های بزرگ دنیا هم همین شرایط را داشتند. هرگز کسی که دوره کارشناسی را گذرانده از روز اول نمی‌تواند وارد فعالیت حرفه‌ای شود.

تفاوت در اینجا است که شرکت‌های بزرگی که ساختارهای جاافتاده‌ای برای انتقال علم و تجربه در درون‌شان شکل گرفته و سازکار انتقال اطلاعات و کارآموزی دارند، از طریق کارآموزی دانشجویان و تزریق منابع مالی به دانشگاه ارتباط سیستماتیک و ارگانیک خود را با این موسسات آموزشی حفظ می‌کنند.

بخش صنعت در کشورهای پیشرفته پول خرج کردن در دانشگاه را سرمایه‌گذاری می‌دانند و مسائل خود را از طریق دانشگاه‌ها حل می‌کنند، در حالی که بسیاری از بخش‌های صنعتی در کشور ما ظرفیت پذیرش کارآموز را ندارند. برای مثال اگر بخواهیم یک دانشجوی لیسانس را ۲، ۳ ماهی برای کارآموزی بفرستیم، با مشکل روبه‌رو می‌شویم، چون هیچ کارخانه‌ای کارآموز بیش از یک هفته یا در موارد نادر یک‌ماهه قبول نمی‌کند و جایی را نمی‌توان پیدا کرد که دوره ۳ماهه برای کارآموز در نظر بگیرد.

آنها متوجه نیستند کارآموزی که چند ماهی در مجموعه آنها کسب تجربه کند، در واقع مهارتی را کسب می‌کند که به‌کار خود این مجموعه‌ها می‌آید و اگر جلوی این کسب مهارت را بگیرند، باید با صرف هزینه بیشتری، فرد دیگری را پیدا کنند که با هزینه‌ای بسیار بیشتر همان خدمات را به آنها ارائه دهد.

نباید کارکردها و مهارت‌هایی را که صنعت باید آموزش دهد، از دانشگاه انتظار داشته باشیم. هیچ‌جای دنیا از کسی که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، توقع ندارد که برود و پمپ کارخانه را تعمیر کند. بخش صنعت ما بعضی وقت‌ها توقعات غیرمعمول از دانشگاه و دانشجویان دارند.

فکر می‌کنند اگر کسی از دانشگاه صاحب‌نامی فارغ‌التحصیل شد، باید تمام ریزه‌کاری‌های فنی را بداند و به‌راحتی نیازهای آنها را برآورده کند، در حالی که از خود نمی‌پرسند این مهارت‌های فنی - برای مثال تعمیر پمپ - را دانشگاه باید به دانشجویانش بیاموزد؟ کجای دنیا پمپ را سر کلاس درس می‌آورند و تعویض آن را به دانشجویان آموزش می‌دهند؟ این نوع کارها باید در دوره‌های کارآموزی آموزش داده شود.

اگر بخواهیم بی‌طرفانه به موضوع نگاه کنیم، باید بگوییم هم دانشگاه و هم صنعت ما دولتی، غیررقابتی و غیرپویا است، اما صنعت تلاش می‌کند همه تقصیرها را به‌گردن دانشگاه بیندازد، در حالی که حداقل، خروجی‌های دانشگاه در همه دنیا موردپذیرش و مطلوب هستند و بهترین دانشگاه‌های دنیا علاقه‌مند هستند که فارغ‌التحصیل‌های ما را جذب کنند، اما در بخش صنعت نمی‌توانیم ادعا کنیم بهترین صنایع دنیا مشتریان تولیدات صنعتی یا خدمات ما نیستند.

این نشان می‌دهد که دانشگاه ما با فاصله بسیار زیادی جلوتر از صنعت ایستاده است.

◉ چه باید کرد؟

تشکل‌های صنفی در حوزه معدن باید پا پیش بگذارند. فلسفه وجودی این تشکل‌ها و مجموعه‌های صنفی خدمات‌رسانی به صنایع است. یکی از خدماتی که آنها می‌توانند ارائه کنند، کمک به توانمندتر شدن نسلی است که در آستانه ورود به بازار کار است.

چطور می‌توان فارغ‌التحصیلان دانشگاه را توانمندتر کرد؟

با برگزاری دوره‌های کارآموزی مناسب در صنعت می‌توان این مهم را به انجام رساند. تشکل‌ها باید ارتباطات را ایجاد کنند. مجموعه‌هایی مانند خانه معدن، انجمن مهندسی معدن، سازمان نظام مهندسی معدن و امثال آن باید نقش جدی‌تری به‌عهده بگیرند، با معادن رایزنی، ارتباط میان دانشگاه و صنعت را تسهیل کرده و امکان کارآموزی را برای دانشجویان فراهم کنند.

کارکرد تشکل‌ها این است که این ارتباطات را گسترش دهند و در نهایت دولت، کارخانه‌های دولتی و خصوصی هستند که باید پا پیش بگذارند و کمک کنند تا نسل بهتری از دانشجویان پرورش پیدا کنند.

هیچ کلاس درس و دانشگاهی نمی‌تواند کارخانه باشد و نصب، ساخت و راه‌اندازی یاد بدهد؛ هیچ جای دنیا این‌طور نیست.

پس در مجموع خود صنایع باید از طریق ارتباطاتی که با دانشگاه‌ها برقرار می‌کنند و امکاناتی که در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند،این کار را انجام دهند.

◉ نقاط ضعف سیستم آموزشی ما چیست؟

یکی از ایراداتی که به سیستم آموزشی ما وارد است، نحوه ورود دانشجویان به موسسات آموزش عالی از طریق کنکور است. من به‌شخصه همواره به این سیستم انتقاد داشته و دارم، اما صادقانه بگویم هیچ روش بهتر و عادلانه‌تری نسبت به روش فعلی نیافتم. اگر جزو کشورهای پیشرفته بودیم و اطمینان داشتیم که همه اساتید دانشگاه‌های متعدد ما برای انتخاب دانشجو جانب انصاف و عدالت را رعایت می‌کنند و مصاحبه ورودی صحیحی انجام می‌دهند تا بهترین‌ها را انتخاب کنند، باید برای ورود به دوره‌های تحصیلات عالی - دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری - براساس مصاحبه و نظر استاد تصمیم‌گیری می‌شد.

اما من چندان خوش‌بین نیستم و فکر می‌کنم اگر این آزادی عمل به دانشگاه داده شود، این خطر وجود دارد که حتی انتخاب دانشجو هم شکل توصیه‌ای، فامیلی و رانتی پیدا کند.

قصد توهین به اساتید دانشگاه و همکاران خودم را ندارم،اما در کمال تاسف سیستم جاری در کشور ما به‌گونه‌ای نیست که شایستگان را انتخاب کند، بنابراین اگر بنا بود افراد با انتخاب اساتید وارد دانشگاه شوند، بعید می‌دانم عدالتی که امروز در زمینه انتخاب دانشجو داریم، وجود می‌داشت.

کارکرد کنکور حداقل این است که هر دانشجویی از هر نقطه کشور - اگر زحمت بکشد - می‌تواند به‌بهترین دانشگاه‌های وارد شود. من این عدالت را با تمام نقاط ضعفی که دارد، ترجیح می‌دهم و فکر می‌کنم در حال حاضر چاره دیگری جز این نیست، زیرا ظرفیت را هم نمی‌توان بیش از این کرد.

درباره چالش‌های مختلف اظهارنظر کردم و ممکن است این تلقی ایجاد شود که من هیچ عیبی بر دانشگاه ندیدم، در حالی که این‌طور نیست. دانشگاه‌های ما دست‌کم یک عیب بسیار بزرگی دارند که در اسرع‌وقت باید برای رفع آن اقدام کرد و اگر سریع دست به‌کار نشویم، کیفیت آموزشی افت خواهد کرد و دانشگاه‌ها از استاندارد دنیا فاصله می‌گیرند.

این نقص عبارت از آن است که تهیه چارچوب درسی - یعنی چه درس‌ها و سرفصل‌هایی باید در هر رشته تدریس شود - باید از دست وزارت علوم خارج شود. به‌عبارت دیگر متولی این امر نباید نهادی دولتی باشد و چند استاد دور هم جمع بشوند و براساس توانمندی‌های خودشان برنامه درسی بنویسند.

نوشتن این چارچوب‌های درسی باید با همکاری جدی و نظام‌مند با تشکل‌های معدنی، صنعت معدن، سازمان نظام مهندسی و امثال آن باشد و وزارت علوم باید در این زمینه نقش چندانی نداشته باشد، زیرا وزارت علوم ارائه‌دهنده خدمات آموزشی است، بنابراین باید بداند هر حوزه چه خدماتی نیاز دارد و همان خدمات را ارائه دهد نه اینکه خودش برنامه طراحی کند.

به‌نظر من این بزرگ‌ترین چالش دانشگاه‌های ما است. برنامه‌ها و ساختار درسی ما در بخش معدن نیاز به بازنگری جدی دارند، زیرا به‌نظر می‌رسد با آنچه باید باشند تفاوت زیادی دارند.

چطور ممکن است سرفصل دروسی که دانشجوی کارشناسی ما می‌گذراند با سرفصل دروس دانشگاه‌های دیگر دنیا ۱۰ یا ۲۰ درصد مشابهت داشته باشد؟ بنابراین باید دروس، خارج از چارچوب وزارت علوم و در همکاری گسترده - با تشکل‌های معدنی و بخش صنعت - بازنگری شود تا سرفصل‌های درسی از ابتدا پایه‌ریزی شود.

به‌ویژه اینکه از درون دانشگاه نمی‌توانیم آینده معدن را پیش‌بینی کنیم. برای آن درس طراحی کنیم. آینده معدن و صنایع‌معدنی را هوش‌مصنوعی، بلاک‌چین، واقعیت مجازی، اینترنت اشیا، هوشمندسازی معادن و مباحث میان‌رشته‌ای، سنسورهای نرم و سخت و امثال آن رقم می‌زنند و دانشگاه باید به‌سرعت خود را در این زمینه‌ها به‌روز کند.

اگر در این زمینه غفلت کنیم و آموزش را به‌شیوه رایج ادامه دهیم، حداقل نیم قرنی از دیگران عقب‌تر می‌افتیم؛ اما این همان اتفاقی است که نظام آموزش عالی ما برای رسیدن به آن بسیار لخت و کند حرکت می‌کند.

یادداشت

تعامل ضروری است



آریا صادق‌نیت حقیقی
دبیر اتحادیه صنایع آلومینیوم ایران

انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و تشکل‌ها، بلندگوی تولیدکنندگان،اصناف و فعالان صنعتی در حوزه‌های گوناگون از جمله بخش معدن و صنایع معدنی هستند. تشکل‌های فعال در بخش معدن و صنایع معدنی،از فعالان یک صنف خاص تشکیل می‌شوند و مسائل یک صنف یا رشته فعالیت خاص را دنبال می‌کنند.

تشکل‌ها و انجمن‌های تخصصی فعال در یک صنف، بهترین محل جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تخصصی یک صنعت هستند و در همین حال، راهکارهای مناسبی برای رفع چالش‌های حاکم بر صنایع ارائه می‌دهند. بر همین اساس نیز داده‌ها، آمار و ارقام مطرح‌شده از سوی این تشکل‌ها امکانی برای بررسی و تحلیل عملکرد صنایع را از سوی دولت فراهم می‌کند.

با این وجود، دولتمردان تنها وقتی به اطلاعات تشکل‌ها و انجمن‌های تخصصی نیاز دارند یا به‌دنبال ارائه گزارش تخصصی هستند، به این تشکل‌ها مراجعه می‌کنند اما در مشورت‌گیری، نظرسنجی و سیاست‌گذاری، نظرات این تشکل‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دهند. این تضاد در شرایطی است که براساس قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دولت مکلف است در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب‌وکار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، نظر کتبی اتاق‌ها و آن دسته از تشکل‌های ذی‌ربطی که عضو اتاق‌ها نیستند، اعم از کارفرمایی و کارگری را درخواست و بررسی کند و هرگاه لازم دید آنها را به جلسات تصمیم‌گیری دعوت کند. اگر هم گاها تشکل‌ها برای نظرسنجی و مشورت در جلسات تصمیم‌گیری حاضر شوند یا نظرات آنها خواسته شود، حضورشان بیشتر جنبه تشریفاتی خواهد داشت و از کمترین اثرگذاری در تصمیم‌گیری برخوردار است.

در ادامه باید تاکید کرد که متاسفانه تشکل‌های فعال بخش خصوصی برای برقراری تعامل با مدیران و سیاست‌گذاران باید فرآیند طولانی را پشت‌سر بگذارند. حتی امکان تشکیل جلسه با معاونان وزرا نیز به آسانی وجود ندارد. ملاقات تشکل‌ها با وزیر نیز بسیار محدود انجام می‌شود.

این در حالی است که برگزاری نشست با مدیران و سیاست‌گذاران از اهمیت و اثرگذاری بیشتری برخوردار است و حتی می‌تواند به تغییر مسیر سیاست‌گذاری و اصلاح شرایط منتهی شود. به‌عنوان مثال در دولت قبل امکانی برای ملاقات حضوری میان اعضای اتحادیه صنایع آلومینیوم با وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت فراهم و مشکلات این صنعت در تامین برق و حساسیت‌های ویژه این بخش مطرح شد. همین ملاقات کوتاه، بخشی از مشکلات را برطرف کرد و نتیجه‌بخش بود. با این وجود، امکان برگزاری چنین نشست‌هایی بسیار محدود است.

البته باید خاطرنشان کرد که تشکل‌های گوناگون از قدرت و نفوذ متفاوتی در بدنه دولت برخوردار هستند و بدین ترتیب برخی تشکل‌ها به راحتی و به‌طور مداوم با مسئولان در وزارتخانه جلسه برگزار می‌کنند و نظرات آنها به دقت سنجیده و بررسی می‌شود. اما این گونه امتیازها برای فعالان صنعت آلومینیوم وجود ندارد. در ادامه باید تاکید کرد که اتحادیه صنایع آلومینیوم، تنها تشکلی است که تمامی فعالان زنجیره آلومینیوم از حلقه‌های بالادستی تا پایین‌دستی در آن حضور دارند. در واقع محملی برای شنیده شدن صدای تمامی فعالان صنعت آلومینیوم از معدن تا تولیدکنندگان محصولات نهایی فراهم شده است. بر همین اساس نیز انتظار می‌رود نظرات این تشکل بیشتر مورد توجه مسئولان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. در پایان باید تاکید کرد که تشکل گرایی به‌ویژه در بخش اقتصاد کشور، اجتناب‌ناپذیر و ضرورتی در مسیر توسعه اقتصادی است. بر همین اساس نیز از دولتمردان و سیاست‌گذاران انتظار می‌رود در مسیر تصمیم‌گیری از فعالان صنعتی، تولیدکنندگان و تشکل‌ها نظرخواهی کنند تا بدین ترتیب تصمیمی درست اتخاذ شود و چالش‌های بعدی ناشی از تصمیم‌گیری اشتباه به حداقل برسد. این موضوع به‌ویژه در حوزه معدن و صنایع معدنی اهمیت دارد، چراکه تولید در این بخش فعالیتی به‌شدت تخصصی است و اغلب مدیران دولتی نیز دانش کافی و جامع برای اعمال قدرت در این حوزه ندارند؛ درنتیجه انتظار می‌رود با تقویت جایگاه تشکل‌های بخش خصوصی و انجمن‌ها، در مسیر بهبود سیاست‌های حاکم بر بخش معدن و صنایع معدنی اقدام شود.



روزگار معدن

شنبه ● ۱۵ مرداد ۱۴۰۱ ● ۸ محرم ۱۴۴۴ ● ۶ اوت ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۸۹۳

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری روزگار وصل
مدیر مسئول و سردبیر: ناصر بزرگمهر
مدیر فنی و هنری: مهدی نجفی
نمایندگی دفتر اروپا: چکاوک بزرگمهر

آدرس: تهران- میدان هفتم تیر- خیابان قائم مقام فراهانی- پلاک ۷۴
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰ - پیامک: ۳۰۰۸۲۱۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲ - نمابر آگهی‌ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵

چاپ: انتخاب رسانه

www.Madandaily.com
www.instagram.com/Madandaily
www.twitter.com/Madandaily
www.t.me/Madandaily
E-mail:info@madandaily.com
tozi.smtnews@gmail.com

اخبار

مخالفت قانون با قیمت‌گذاری دستوری

یک کارشناس بازار سرمایه گفت: بر اساس قانون، مرجع قیمت‌گذاری دستوری باید ما به التفاوت بین نرخ تمام شده و نرخ تکلیفی را یا از طریق بخشش بدهی مالیاتی و یا پرداخت نقدی به تولیدکننده بپردازد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما؛ حامد ستاک از جمله دلایل وضعیت نامناسب این روزهای بازار سرمایه را قیمت‌گذاری دستوری دانست و گفت: اینکه مسئول پیگیری این موضوعات چه کسی است؟ برخی اعتقاد دارند سازمان بورس به عنوان حافظ منافع مسوول است و برخی هم اعتقاد دارند خود شرکت‌ها و مدیران شرکت‌ها به عنوان حافظ منافع سهامداران خرد و عمده باید وارد عمل شوند که هر دو دیدگاه قابل بررسی و به نوعی درست هستند.

«مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار روز دوشنبه گفته بود، مسئولیت اصلی در پیگیری قیمت‌گذاری‌های دستوری، شرکت‌ها هستند و مدیران شرکت‌ها باید توجه داشته باشند که نسبت به مراقبت از دارایی‌های مردم، مسئولیت دارند و باید منافع سهامداران را حفظ کنند».

ستاک با اشاره به اینکه نباید سهامداران به واسطه قیمت‌گذاری دستوری که مغایر با اصول اولیه و اصلی بازار سرمایه هستند، زیان ببینند، افزود: بر اساس قیمت‌گذاری دستوری بعضا شرکت‌ها آسیب می‌بینند و این آسیب جبران هم نمی‌شود.

وی در ادامه دستکاری صورت مالی و از بین رفتن خاصیت پیش‌بینی‌پذیری و تحلیل‌پذیری بازار سرمایه را از دیگر زیان‌های قیمت‌گذاری دستوری برای بازار سرمایه برشمرد.

این کارشناس بازار سرمایه همچنین گفت: قیمت‌گذاری دستوری نمی‌تواند در بلند مدت ادامه پیدا کند، چون برخی از شرکت‌ها از گردونه تولید خارج می‌شوند، بنابراین نرخ محصولات آن قدر بالا می‌رود که مرجع قیمت‌گذاری دستوری خود قیمت‌ها را افزایش می‌دهد.

به گفته ستاک، گاهی پیش‌بینی این چرخه به افزایش سرمایه‌گذاری فعالان بازار سرمایه کمک کنند، اما چون پی در پی قیمت‌گذاری دستوری صورت گرفته و لغو می‌شود در مجموع بازار سرمایه متضرر می‌شود.

ریسک بالا، عامل بی‌پولی در بازار سرمایه

یک کارشناس مسائل اقتصادی گفت: مهم‌ترین دلیل افت شاخص بورس عدم استقبال سرمایه‌گذاران است، زیرا آنان به دلیل ریسک‌هایی که وجود دارد، اشتیاق چندانی برای سرمایه‌گذاری از خود نشان نمی‌دهند.

به گزارش ایبنا، حمیدرضا جیهانی درباره افت شاخص بورس گفت: مهم‌ترین دلیل افت شاخص بورس عدم استقبال سرمایه‌گذاران است. ورود سرمایه‌ها به بازارسرمایه تحت تاثیر ریسک‌هایی که در کشور وجود دارد از جمله بحث شایعه افزایش نرخ بهره، کاهش بازدهی‌ها، دستکاری دولت در قیمت‌گذاری محصولات شرکت‌ها و به عبارتی سرکوب نرخ و کاهش حاشیه سود، کاهش یافته و سرمایه‌گذاران در این خصوص اشتیاق چندانی نشان ندهند.

این کارشناس اقتصادی در این رابطه بیان کرد: لازم است تا به این نکته هم اشاره شود، در اینکه دولت سیزدهم در موضوعات مختلف زحمت‌های فراوانی کشیده، شکی وجود ندارد. نتیجه آن هم این است که ظرفیت‌هایی برفرض برای افزایش فروش نفت به وجود آمد تا از طریق آن شاهد ورود دلار به کشور باشیم و بحث‌های تورم انتظاری به مدیریت درآید. این کارها زحمت مجموعه بانک مرکزی و دیگر ارگان‌های نظام است، ولی وقتی به قول وزیر و وعده رئیس‌جمهوری توجه نمی‌شود، نه تنها حس مثبتی به بازار منتقل نمی‌کند، بلکه ذهنیت درستی هم به وجود نمی‌آورد.

جیهانی در ادامه اظهار کرد: تاثیرات جهانی در خصوص افت شاخص بورس را باید در نظر گرفت، به طور نمونه در نتیجه جنگ اوکراین نرخ کامودیتی‌ها ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش داشت که در چند هفته اخیر بعضی از کامودیتی‌ها با توجه به ورود فضای رکودی ۲۰، ۳۰ حتی تا ۳۵ درصد کاهش نرخ پیدا کرد. باید توجه کرد که همراه شدن فضای اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی بسیار خوب است، ولی نباید فراموش کرد که در داخل کشور قیمت‌گذاری دستوری انجام می‌شود و این خود تاثیرات قابل توجهی دارد. برفرض روغن در دنیا بالای ۱۰۰ درصد افزایش نرخ پیدا کرده، در ایران هم با قطع ارز ۴۲۰۰ تومانی و جایگزینی ارزنیمایی روغن در عمل افزایش نرخ داده شد.

وی در ادامه بیان کرد: شرکت‌ها عملکردهای خیلی خوبی در حوزه بازار سرمایه در گزارشات سه ماهه از خود نشان دادند وکارشناسان انتظار داشتند که برای بازار پیام خوبی به دنبال داشته باشد، ولی کارشناسان ارشد تحلیلگراز آنجا که بر دورنمای سه ماهه دوم و ورود به قیمت‌گذاری دستوری دولتی‌ها آگاهی دارند، نسبت به سهام اقبالی نشان ندادند.

این فعال بازار سرمایه ضمن اشاره به نرخ بهره بانکی در این خصوص افزود: نرخ بازدهی بازار سرمایه به نسبت ریسک‌های موجود تفاوت معناداری با بازدهی بازار بدون ریسک مانند بازار پولی و سپرده دارد. در کشورهای دیگر نرخ سپرده همیشه ۱.۵ و حداکثر ۲ درصد بوده و بسیاری از جاها هم منفی است، در عوض بازار سرمایه آنها ۸.۴ درصد است. ولی در کشور ما بازدهی سال گذشته بورس منفی بود و نرخ سود سپرده حدود ۲۰ درصد بوده است. این درصد به درستی نشان از ریسک بالا دارد که برای سرمایه‌گذاری هیچ جذابیتی باقی نمی‌گذارد.

بررسی کاربردهای اوراق صرفه جویی انرژی

مصرف برق به کمک بورس انرژی بهینه می‌شود

گروه معدن

با وجود مزایای و کاربردهای اوراق صرفه جویی انرژی در بهینه‌سازی مصرف برق حتی در بعد خانگی، اما به نظر می‌رسد حذف قیمت‌گذاری دستوری و واقعی شدن قیمت‌ها پیش نیاز ضروری برای معنادارتر شدن این اوراق است. در چنین شرایطی ضمن تشویق مصرف‌کنندگان به کاهش مصرف روزانه، منبعی برای درآمدزایی از طریق اوراق صرفه‌جویی انرژی ایجاد خواهد شد.

به گزارش سنا، ایران با وجود تمام منابع غنی که در حوزه انرژی در اختیار دارد، دارای یکی از ضعیف‌ترین رتبه‌ها در مصرف بهینه انرژی دنیا را هم دارد. بنابر آمار منتشر شده در آژانس بین‌المللی انرژی، ایران حدود ۹۱ میلیارد دلار یارانه انرژی را به طور سالانه پرداخت می‌کند.

توجه به آمار جهانی شدت انرژی مشخص می‌کند که ایران وضعیت بسیار نامطلوبی در حوزه شاخص شدت انرژی دارد. شاخص شدت مصرف انرژی تنها شاخصی است که می‌تواند شرایط نابسامان اسراف انرژی در کشور را به وضوح مشخص کند. شاخصی که مشخص می‌کند، برای تولید یک واحد تولید ناخالص داخلی باید چه میزان انرژی مصرف کرد.

البته باید در نظر داشت که مقایسه سرانه مصرف برق میان کشورهای متفاوت با توجه به تفاوت در موقعیت جغرافیایی نمی‌تواند تصویر دقیقی از این مسئله ایجاد کند. از سوی دیگر برق تنها حامل انرژی تامین برق خانگی در بسیاری از کشورهای جهان تلقی شده و حامل‌های دیگر انرژی نظیر گاز در خانه‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

بر همین اساس، طبیعی است که میزان سرانه مصرف برق در این کشورها از سرانه مصرف برق در ایران فراتر باشد، زیرا در ایران علاوه بر مصرف برق، گاز نیز در جهت تامین انرژی گرمایش و پخت و پز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از همین رو سرانه مصرف برق خانگی با احتساب تامین سرمایش، روشنایی و تامین برق لوازم خانگی می‌تواند، تصویر دقیق‌تری از میزان مصرف برق توسط هر ایرانی و مقایسه با سایر کشورهای جهان ارائه دهد تا بدین وسیله میزان اسراف برق توسط پرمصرف‌های عمدتا ثروتمند به وضوح بیشتری مشخص شد.

مطابق آخرین آمار ارائه شده تحت عنوان ترازنامه انرژی، سرانه مصرف برق خانگی در ایران در دی ماه گذشته، معادل ۱۰۵۸ کیلووات ساعت برای هر نفر برآورد می‌شود. این در حالی است که متوسط جهانی این آمار معادل ۱۸۲ کیلووات ساعت است. به عبارت دیگر میزان سرانه مصرف برق خانگی در ایران ۶ برابر متوسط جهانی و ۷ برابر سرانه مصرف برق هر نفر در کشوری نظیر ترکیه است.



یارانه ۵.۲ هزار میلیارد تومانی در جیب ثروتمندان پرمصرف

توجه به دو شاخص شدت انرژی و سرانه مصرف برق خانگی بیانگر آن است که انرژی در کشور ما توسط پرمصرف‌ها بدون هیچ دقتی مصرف شده و همین مسئله زمینه ایجاد خسارات گسترده‌ای را به وجود بیاورد. در همین راستا مهم‌ترین دلیل مصرف بی‌رویه انرژی توسط قشر عمدتا پردرآمد نظام تعرفه‌گذاری غلطی است که زمینه بی‌اهمیتی انرژی را به وجود می‌آورد. با توجه به اینکه نرخ تمام شده برق کشور با نرخ فروش این کالا تفاوت قابل توجهی دارد و رقمی بسیار کمتری است، لذا مصرف بیشتر این کالا به منزله استفاده بیشتر از یارانه انرژی است، در همین راستا اقلیت پرمصرف کشور، با استفاده بی‌رویه از برق عملاً از یارانه انرژی بسیار بیشتری نسبت به سایر مشترکان کم مصرف بهره برده و علاوه بر جلوگیری از توسعه صنعت برق زمینه بی‌عدالتی در توزیع ثروت متعلق به همه مردم را به وجود می‌آوردند. در این راستا، استناد اظهارات سخنگوی صنعت برق، ۸۰۰ هزار مشترک خانگی صنعت برق با مصرف حداقل ۲ برابر الگوی منطقه، سالانه بیش از ۱۳ میلیارد کیلووات ساعت برق مصرف می‌کنند.بر این اساس با توجه به اینکه هزینه تبدیل انرژی و توزیع برق معادل ۴۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت در نظر گرفته می‌شود، بنابراین سالانه معادل ۵.۲ هزار میلیارد تومان به جیب ۸۰۰ هزار مشترک بسیار پرمصرف و عمدتا ثروتمند می‌رود.

ابزارهای مالی جدید بورس انرژی برای صرفه‌جویی

کارشناسان معتقدند یکی از روش‌های بهینه‌سازی مصرف برق می‌تواند استفاده از راهکارهای تشویقی باشد. اوراق گواهی صرفه‌جویی انرژی در دنیا به عنوان مشوق افزایش بهره‌وری، افزایش بازدهی و کاهش مصرف سوخت به کار گرفته می‌شود و همان‌طور که از اسم آن مشخص است منجر به بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش شدت انرژی می‌شود.

در همین خصوص اواخر سال گذشته مدیرعامل بورس انرژی از ادامه پیگیری‌ها در خصوص راه‌اندازی «گواهی صرفه جویی انرژی» خبر داده بود. علی نقوی گفته بود با کمک ابزار جدید «گواهی صرفه جویی انرژی» به بهینه‌سازی مصرف انرژی کمک می‌شود. شایان ذکر است، درحال‌حاضر راه‌اندازی بازار بهینه‌سازی مصرف انرژی به عهده بورس انرژی است، آیین نامه‌های آن در شورای‌عالی انرژی تصویب شده است و دستورالعمل اجرایی راه‌اندازی این بازار هم در شورای‌عالی انرژی تصویب شده است.

سیاست‌هایی که تاکنون برای کنترل مصرف انرژی در ایران دنبال شده روی بالا بردن تعریفه حامل‌های انرژی و جریمه مصرف‌کنندگان تمرکز داشته است، اما تمرکز ابزار مالی جدید بورس انرژی ایران، یعنی همان گواهی صرفه‌جویی انرژی روی تشویق به مصرف کمتر و خوش‌مصرفی مردم به‌جای جریمه پرمصرفان است. این ابزار، خوش‌مصرفان را در منافع حاصل از مصرف بهینه‌شان شریک می‌کند. به‌عنوان مثال، گواهی صرفه‌جویی انرژی می‌تواند یک تولیدکننده فولاد را به سرمایه‌گذاری برای بهینه‌سازی تجهیزاتش در راستای مصرف کمتر ترغیب کند تا از منافع اقتصادی حاصل از صرفه‌جویی خود بهره‌مند شود. این ابزار دو بخش دارد: گواهی سوخت صرفه‌جویی شده؛ به صرفه‌جویی کننده‌ها معادل دارایی اوراق تعلق می‌گیرد و فرد می‌تواند گواهی صرفه‌جویی خود را در بازار عرضه کند. نوع دوم گواهی، گواهی تامین مالی است؛ براین اساس اگر شرکتی و صنایعی بخواهد تکنولوژی‌ای را برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی پیاده‌سازی کند، برای تأمین مالی این گواهی را در بازار منتشر می‌کند و تا سقف ۷۰ درصد آن دارایی صرفه‌جویی شده را در بازار واگذار کند و با منابع حاصل از آن تکنولوژی را در شرکت سرمایه‌گذاری کند.

در ادامه این موضوع و به دنبال بهینه‌سازی مصرف برق خانگی، حالا استفاده از ابزار گواهی صرفه‌جویی انرژی برای بخش خانوار هم مطرح شده است تا از این طریق امکان فروش برق صرفه‌جویی شده توسط مشترکین خانگی از طریق گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی در بورس انرژی ایران فراهم شود.

تا جایی که چند روز پیش، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری خواستار امکان فروش برق صرفه‌جویی شده توسط مشترکین خانگی از طریق گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی در بورس شد.

محمدرضا پورابراهیمی در این نامه گفت: با توجه به در پیش بودن ایام اوج مصرف برق در کشور، پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت بازار سرمایه، طرح پیشنهادی کمیسیون اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و با دستور جنابعالی عملیاتی شود تا بهینه‌سازی مصرف برق و تسهیل تامین برق صنایع در شرایط اوج مصرف به ارمغان آید.

محورهای مهم این طرح شامل، امکان فروش برق صرفه‌جویی شده توسط مشترکین خانگی از طریق گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی در بورس انرژی ایران؛ فراهم‌سازی امکان واردات برق توسط نیروگاه‌های بخش خصوصی و عرضه آن در بورس و نیز ایجاد تابلو برق سبز در بورس انرژی ایران به منظور فروش برق نیروگاه‌های تجدیدپذیر به صنایع بود.

گامی به سمت بهینه‌سازی مصرف برق

با این وجود اما کارشناسان معتقدند تا زمانی که نرخ برق واقعی نشود، اوراق گواهی صرفه‌جویی خیلی معنادار نیست. درواقع، قیمت‌گذاری تعرفه‌ای توجیه اقتصادی ندارد، مگر اینکه معادل برق صرفه‌جویی شده دارایی دیگری چون نفت، گاز، گاز مایع و غیره داده شود، البته در بازار سرمایه و بورس انرژی زیرساخت لازم برای انجام این معاملات فراهم است.

بر این اساس، با حذف قیمت‌گذاری دستوری و واقعی شدن قیمت‌ها، علاوه بر اینکه ساخت نیروگاه و سرمایه‌گذار در این صنعت توجیه‌پذیر می‌شود، مصرف‌کنندگان خانگی هم انگیزه بیشتری برای صرفه‌جویی برق خواهند داشت. در چنین شرایطی ضمن تشویق مصرف‌کنندگان به کاهش مصرف روزانه، منبعی برای درآمدزایی از طریق اوراق صرفه جویی انرژی ایجاد خواهد کرد.

تأمین مالی ۳ بنگاه اقتصادی به کمک اوراق مالی اسلامی

وجود ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری متنوع منطبق با نیاز بنگاه‌ها و شرایط اقتصادی کشور و ویژگی‌های رفتاری سرمایه‌گذاران، منجر به هدایت بهینه نقدینگی اقشار مختلف جامعه به سمت بنگاه‌های اقتصادی و بخش واقعی اقتصاد می‌شود که این موضوع رونق و جهش تولید را به دنبال خواهد داشت.

به گزارش فرابورس ایران، میثم زارع‌زاده، مدیر ابزارهای نوین مالی فرابورس آخرین آمار انتشار ابزارهای نوین مالی و تأمین مالی بنگاه‌ها در فرابورس طی هفته اخیر را تشریح کرد. وی از انتشار حدود ۲۱۹ هزار میلیارد ریال اوراق با درآمد ثابت طی این هفته خبر داد و گفت: در این مدت شاهد انتشار ابزارهای متنوعی از اوراق با درآمد ثابت در فرابورس بودیم، به‌این‌ترتیب که ۵۲هزار میلیارد ریال اوراق اجاره، ۱۶.۵ هزار میلیارد ریال اوراق گواهی اعتبار مولد (گام) و ۱۵۰هزار میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی منتشر شد.

انتشار اوراق اجاره با ضمانت شستا و شاوان

زارع‌زاده با اشاره به اینکه بخشی از تأمین مالی اوراق با درآمد ثابت، اوراق اجاره متعلق به سازمان تأمین اجتماعی، شرکت سولیکو کاله و پدیده شیمی قرن بوده، ادامه داد: سازمان تأمین اجتماعی به عنوان موسسه عمومی غیردولتی برای تأمین نقدینگی باهدف تسویه مطالبات برای نخستین بار با سازوکار اوراق اجاره سهام و مبنا قراردادن سهام شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، از طریق بازار ابزارهای نوین مالی فرابورس ایران اقدام به تأمین مالی به ارزش ۴۰ هزار میلیارد ریال کرد.

وی در تشریح ویژگی‌های اوراق اجاره منتشرشده توسط تأمین اجتماعی گفت: این اوراق که تأمین سرمایه امین بازارگردان آن است دارای مدت چهار ساله با نرخ اجاره‌بهای ۱۹ درصد سالانه است که هر شش ماه یک‌بار پرداخت می‌شود. همچنین ضمانت این اوراق با نماد «تامین ۰۵» توثیق پرتفویی متشکل از سهام شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) و شرکت پالایش نفت لاوان (شاوان) توسط سازمان تأمین اجتماعی است.



تأمین مالی سولیکو برای تولید شیر پاستوریزه

مدیر ابزارهای نوین مالی فرابورس در ادامه به تأمین مالی ۷ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریالی شرکت سولیکو کاله از مسیر فرابورس اشاره کرد، گفت: این مجموعه به‌منظور خرید ماشین‌آلات و تجهیزات جهت تکمیل طرح احداث پالایشگاه شیر پاستوریزه، اقدام به تأمین مالی ۷ هزار و ۲۰۰میلیارد ریالی به مدت ۵ سال کرد.

زارع‌زاده در تشریح ویژگی‌های این تأمین مالی با اشاره به اینکه نرخ اجاره‌بهای این اوراق ۱۸درصد سالانه است که هر ۳ ماه یک‌بار پرداخت خواهد شد، افزود: در انتشار این اوراق شرکت تأمین سرمایه تمدن رکن بازارگردان و متعهد پذیره‌نویسی را برعهده‌گرفته و بانک سامان نیز ضمانت اصل و اجاره‌بها اوراق را برعهده دارد.

انتشار اوراق اجاره پدیده شیمی پایدار با تکیه بر رتبه اعتباری

این مقام مسئول فرابورس در ادامه تأمین مالی ۵ هزار میلیارد ریالی شرکت پدیده شیمی پایدار را مورد توجه قرارداد و گفت: این شرکت با تکیه‌بر رتبه اعتباری خود که در بلندمدت منفی A و در کوتاه‌مدت A۱ بوده و چشم‌انداز پایداری را ایجاد کرده است.

به گفته وی، با پشتوانه قراردادن سهام شرکت پدیده شیمی قرن (با نماد قرن) شرکت پدیده شیمی پایدار باهدف افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و تأمین سرمایه در گردش شرکت‌های فرعی، اقدام به تأمین مالی ۵ هزار میلیارد ریالی به روش انتشار اوراق اجاره سهام، کرده است. در این اوراق نیز تأمین سرمایه تمدن رکن متعهد پذیره‌نویس و بازار گردان را بر عهده دارد و شرکت‌های پدیده شیمی پایدار و گروه صنعتی گلرنگ دو وثیقه‌گذار این اوراق هستند.

طول عمر این اوراق ۵ سال و نرخ اجاره‌بها پرداختی آن ۱۸ درصد سالانه است که هر ۳ ماه یک‌بار از تاریخ انتشار به دارندگان پرداخت خواهد شد.

استقبال بانک‌ها از «گام»

مدیر ابزارهای نوین مالی فرابورس ایران در ادامه با بیان جزییات تأمین مالی ۲۱۹ هزار میلیارد ریالی اوراق با درآمد ثابت طی هفته گذشته، به انتشار اوراق گام توسط دو بانک اشاره کرد و افزود: اوراق گواهی اعتبار مولد (گام) از دیگر ابزارهای مالی اسلامی است که به‌واسطه کوتاه‌مدت بودن این اوراق (حداکثر ۱۲ ماهه) نسبت به سایر اوراق بدهی‌های On the Run حاضر در بازار و همچنین رتبه اعتباری خوب به‌واسطه ناشر و ضامن، از نقد شوندگی بالایی برخوردار است.

به گفته وی، این اوراق به لحاظ فرصت سرمایه‌گذاری در اوراق با درآمد ثابت موردتوجه سرمایه‌گذاران و به عنوان یکی از روش‌های تأمین مالی مورد استقبال بنگاه‌ها (خصوصا بنگاه‌های کوچک و متوسط) قرارگرفته است.

زارع‌زاده هدف از انتشار اوراق گام بانک شهر را تأمین سرمایه در گردش سالم و پایدار برای واحدهای تولیدی، اعلام کرد و اظهارکرد: اوراق گام بانک شهر با نماد گام ۰۱۱۲۶۱ با ارزش اسمی ۵ هزار میلیارد ریال منتشر شد. همچنین بانک رفاه کارگران در دو نماد گام ۰۲۰۱۱۳ و گام ۰۲۰۲۱۳ و در مجموع به ارزش ۱۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال این اوراق را منتشر کرد، این اوراق با سررسیدهای زیر یک سال در بازار ابزارهای نوین مالی فرابورس ایران پذیرش شدند.

ورود یک اخزای جدید

وی در ادامه به پذیرش اسناد خزانه اسلامی در نماد اخزا ۱۰۲۱ طی هفته گذشته نیز اشاره کرد و افزود: در هفته گذشته دولت اقدام به انتشار ۱۵۰هزار میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی با نماد اخزا ۱۰۲ کرد. سازمان برنامه و بودجه متعهد تأمین و تخصیص اعتبار این اخزاست که از محل مصوبات شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی منتشرشده است. به گفته زارع‌زاده طی ۵ ماه اخیر دولت برای تسویه با دارندگان اوراق در نمادهای اراد ۳۵، اراد ۳۶، اخزا ۸۱۳، اخزا ۸۱۴، اخزا ۸۱۵، اخزا ۸۱۶ و اخزا ۸۱۷، حدود ۲۴۰ هزار میلیارد ریال پرداخت کرده است.

ضامن؛ یک رکن مهم

زارع‌زاده ضمانت را از موضوع‌های مهم در انتشار اوراق با درآمد ثابت دانست و گفت: یکی از راهکارهای بهینه برای ایفای تعهدات رکن ضامن در انتشار اوراق مالی اسلامی، بهره‌مندی از خدمات مؤسسات رتبه‌بندی است که به‌خوبی مورد استقبال متقاضیان تأمین مالی قرارگرفته است؛ چراکه بانی/ ناشر تأمین مالی با اخذ رتبه اعتباری مناسب از موسسه رتبه‌بندی دارای مجوز فعالیت، می‌تواند نسبت به انتشار اوراق با درآمد ثابت صرفا با تکیه‌بر رتبه اعتباری خود و بدون استفاده از رکن ضامن و یا سپردن تضمین اقدام کند که البته توثیق تضامین با توجه به رتبه اعتباری ناشر/ بانی، تعدیل و کاهش خواهد یافت.

وی افزود: طبق مصوبه دوم اردیبهشت‌ماه امسال هیات‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، نصاب سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در اوراق بهادار با درآمد ثابت بدون ضامن و با رتبه اعتباری قابل قبول، به شرح حداکثر ۱۵ درصد از کل دارایی‌های صندوق مشروط بر اینکه حداکثر ۵درصد از کل دارایی‌های صندوق، در اوراق بهادار منتشره از طرف یک ناشر سرمایه‌گذاری شود، تعیین‌شده است.